فصلنامه فرهنگی،اجتماعی | شماره ۱۹۲ | تابستان ۱۴۰۱ | قیمت: ۸۰ هزار تومان

دختر نور خدا

اگر می خواهی رئیس جمهور شوی...

اگر می خواهی خلبان شوی...

شهید کاوه، یادگاری از سرزمین سردشت

با جیمز وب به آغاز آفرینش سفر کرده ایم

چگونه قوز در بیاوریم

برگزیدگان نوجوان مسابقه
بین المللـــی اربعیـــــــن ۱۴۰۰

کانون پرورش فکری استان اصفهان
با همکاری ذوب آهن
و شرکت آبفای استان اصفهان

علی اصغر ناظری پور/ همدان/ ۱۲ ساله

افشین طهماسبی/ خراسان جنوبی/ ۱۳ ساله

النا امید/ اردبیل/ ۱۴ ساله

سوگند تیموری راد/ گرگان/ ۱۷ ساله

روژیا خوشنویسان/ گلپایگان/ ۱۱ ساله

مهرداد صادق زاده/ فارس/ ۱۲ ساله

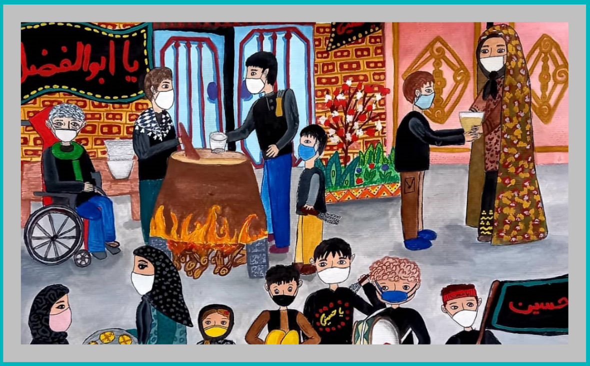
غزل قزل سوفلو/ گلستان/ ۱۴ ساله

نور قبیسی/ لبنان/ ۱۷ ساله

ابوالفضل برزگر/ خراسان جنوبی/ ۱۱ ساله

222.indd 2 11/8/2022 11:25:45 AM

فهرست

پیام روشن ۴
سخن سردبیر ۵
شهید زنده ۶
توخودشعر لطیفی ۸
خط به خط می خوانمت ۱۰
پویانمایی ۱۳
میکروفون ۱۴
پاره تن ۱۶
پژوهش شیرین ۱۸
چگونه امیرکبیر شوی؟ ۲۰
قهرمان دیروز ۲۲
قهرمان امروز ۲۳
می خواهی در آینده چه کاره شوی؟(خلبانی) ۲۴
شغل های معروف آینده ۲۶
جستجوگر ۲۸
قهقهه ۳۰
بابونه ۳۲
معرفی کتاب ۳۴
حدس بزن ۳۶
وصیت نامه ۳۸
داستان تصویری ۴۰
اخبار داغ ورزشی ۴۴
جدول ۴۶
والیبال نوجوانان ۴۷
المپیاد های نوجوانان ۴۸
چگونه قوز درنیاوریم؟ ۵۰

بسم الله الرحمن الرحیم

ماهنامه فرهنگی/اجتماعی
شماره ۱۹۲
شهریورماه ۱۴۰۱
قیمت: ۸۰۰۰۰۰ ریال
صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: دکتر رحیم نریمانی
سردبیر: خدیجه اکبری
دبیر تحریریه: فخرالسادات فاطمی
ناظر نشریه: سیده فاطمه رضایی نودهی
هیات‌تحریریه: زینت السادات فاطمی، سید مسعود فاطمی، حسن رضائیان، ماندانا واحدی، سنا خدامی، فاطمه جور کشان، احمد زارعی
ویراستار: زینت السادات فاطمی
عکاس: سید مسعود فاطمی
صفحه آرا: مهدی رضوی
طراح جلد: حمیدرضا گلین امیریان
امورفنی: آتلیه شاهد
ناظر چاپ: پرستو سلیمانی
هماهنگی تولید: موسسه فرهنگی هنری طه سپهر تهران
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶-۰۲۱
امور مشترکین: محمدرضا اصغری
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴-۰۲۱
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸-۰۲۱
ناشر: انتشارات شاهد
نشانی: تهران، خیابان طالقانی، خیابان ملک الشعرای بهار شمالی، شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸-۰۲۱
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴
چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر
آدرس الکترونیکی:
Email: nojavan@shahedmag.com
چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر شاهد نوجوان برای نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ سال منتشر می‌شود؛ مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است؛ مطالب رسیده باز گردانده نمی‌شود. نقل مطالب مجله با ذکر ماخذ مجاز است.

222.indd 3 11/8/2022 11:25:46 AM

ارتباطتان را با خدا حفظ کنید

دوران زندگی انسان، دوران حوادث بی‌شماری است. شماها ان‌شاءالله ده‌ها سال در این دنیا زندگی خواهید کرد، حوادثی را خواهید دید، مسایل فراوان زندگی را مشاهده خواهید کرد، آنها را تجربه خواهید کرد؛ اگر بنیه معنوی شما مستحکم باشد، در برخورد با این حوادث، شجاعانه، سربلند و پُرافتخار به پیش خواهید رفت؛ هم افتخار دنیوی پیدا می‌کنید، هم افتخار معنوی و عزّت الهی پیدا می‌کنید؛ این از همین لحظه تکلیف شروع می‌شود. لحظه تکلیف شما و دوران بلوغ معنوی شما دوران بسیار مهمّی است.

عزیزان من، فرزندان من! من توصیه می‌کنم از همین حالا رابطه خودتان را با خدای متعال مستحکم کنید. عیب بزرگ دنیای مادّی، قطع رابطه انسان با خدا است؛ ... راز پیشرفت یک انسان به‌صورت شخصی و فردی، و یک جامعه به‌صورت جمعی، این است که بتواند رابطه خود با خدا را حفظ کند. ارتباطتان را با خدا حفظ کنید.

www.khamenei.ir

222.indd 4 11/8/2022 11:25:48 AM

سخن سردبیر

در ایام نوجوانی حس می کنی روی ابرهـا راه می‌روی؛ هر گاه بخواهی می‌باری و می‌رویانی و هر گاه بخواهی روان و شـاد و پرانگیزه، رودخانه می‌شوی. هر گاه بخواهی اقیانوسی می‌شوی در سکون و آرامش و هر گاه بخواهی دریایی می‌شوی پر تلاطم؛ همه تغییرات را استقبال می کنی.

حس می کنی همه دنیا برای تو و رسیدن به آرزوهایت آفریده شده‌است.

بدون بال، به پرواز در می آیی؛ مطمئن هستی که بزرگ شده‌ای. نوجوانی، مرحله اصلی تغییرات اساسی در جسم، روح و اندیشه یک انسان است در این میان، باورها و چارچوب‌هایی که آگاهانه بر رفتارهایت حاکم می‌نمایی شخصیت تو را شکل می‌دهد و تو را به آرامش می‌رساند و بزرگ جلوه می‌دهد.

این روزها، اولین روزهای آشـنایی تو با مسائل بنیادینی است کهطرز تفکر، آگاهی و مجموعاً شخصیت تو را شکل می دهد، پس پر از کشـش و کشمکشـی! پر از آزمون و خطایی. چنین بحران‌هایی را همه پشـت سـر می گذارند؛ تفاوت در سـریع آموختن و مدیریت کنترل این احساسات است و تو به سرعت نور، در حال آموختنی.

در این دوران، پر از دغدغه هایی هسـتی از جنس آب و آفتاب که تو را گاه افسرده می کند و گاه به زلالی آب، صادق و روشن جلوه‌ات می‌دهد.

در پی دغدغه‌های ارتباطی‌ات، خشـم‌های غیرقابل کنترل را تجربه می کنی؛ تندی می کنی؛ بارها و بارها از کوره درمی‌روی؛ صراحت بیان داری و همین شدت‌ها، گاه باعث خدشه دارشدن روابط تو با اطرافیانت می شـود پس باید مهارت کنترل خشم را بیاموزی.

تو پر از هنر و اسـتعدادی! مملو از انرژی و توانایی؛ احسـاس می کنی می‌توانی دنیا را تغییر دهی. آری! چون تو رمزآفرینش هستی. جنب و جوش این سـال‌های محدود زندگی‌ات تمام آینده تو را تضمین خواهد کرد.

قدر بدان؛ آگاهانه تغییر کن و بزرگ بمان!

222.indd 5 11/8/2022 11:25:49 AM

گفتگوی مجله شاهد نوجوان با سیده زهرا موسوی، فرزند شهید نورخدا موسوی

دختر نورخدا از نورِ خدا در زندگی‌اش می‌گوید

محدثه گودرزی

خودتان را معرفی می‌کنید؟
سیده زهرا موسوی هستم فرزند شهید سید نورخدا موسوی و در زمان شهادت پدرم، ۱۶ ساله بودم.

مختصری از زندگینامه پدر بزرگوار و نحوه جانبازی و شهادت‌شان را برای ما بگوئید؟
زمانیکه پدر جانباز شدند ۶ ساله و کلاس اولی بودم و در عالم بچگی خودم بودم؛ پدرم در عملیات پل شکسته لار ۱۷اسفند ۱۳۸۷ در درگیری با گروهک عبدالملک ریگی از ناحیه سر جانباز شدند از آن زمان تا ۱۶ آبان ۱۳۹۷ در کمای مطلق بودند و طی این مدت از طرف چندین پروفسور دیده شدند جوابی که می‌دادند این بود که امیدتان به خدا باشد. از لحاظ پزشکی کاری نمی‌توانستند بکنند مدتی که پدر روی تخت بودند ما با معجزات زیادی روبه‌رو شدیم مردم خیلی به پدر محبت داشتند می آمدند به پدر سر می‌زدند و آن اوقات برای ما خیلی لذت‌بخش بود عشق و محبت مردم باعث می‌شد، دردی که هر روز بابا را در آن حالت می‌دیدیم کم تر آزارمان دهد؛ در ۱۶ آبان پدرم خیلی آرام از کنار ما پر کشید و به درجه رفیع شهادت نائل شد.

خاطره‌ای از پدر برایمان می‌گویی؟
تنها چیزی که از پدر خیلی در ذهن من باقی مانده مهربانی اوست. یادم است پدر وقتی به مرخصی می آمد با وجود خستگی زیادی که داشت با من و دخترخاله‌هایم بازی می‌کرد من، چهره محبت آمیز پدرم و بازی‌های بچه‌گانه‌ای که با ما انجام می‌داد یادم است.

بعد از شهادت پدر زندگی به شما چگونه گذشت؟
بعد از شهادت قطعا خیلی به ما سخت گذشت. ما به آن اتاق و تخت و صدای نفس‌های بابا عادت کرده بودیم. من و مادر و برادرم هر لحظه نفس‌های پدر را چک می‌کردیم؛ صدای نفس‌هایش مثل یک موسیقی در ذهن‌مان ثبت شده بود. اگر صدای نفس‌هایش کم می‌شد می‌ترسیدیم، تا چند وقت بعد از شهادت پدر هنوز صدای نفس‌هایش در گوشم بود و ناخودآگاه به اتاقش می‌رفتم و با آن تخت خالی روبه‌رو می‌شدم و خیلی ناراحت کننده بود؛ همیشه دلم برای زمان‌هایی که به ایشان آب و غذا می‌دادیم تنگ می‌شود. بعد از جانبازی خاطره‌های من با پدرم، لحظه‌هایی بود که روز مرگی‌هایم را برایش تعریف می‌کردم.

برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت به هم نسلی‌های شما چه باید کرد؟
به نظر من باید زندگی واقعی شهدا را همانگونه که بوده‌اند نشان دهیم. مثلا برخی می‌گویند به کودکان و نوجوانان از شهید و شهادت چیزی نگوئید در حالی که این اشتباه است باید بگوئیم شهدا از دل همین مردم و انسان‌های معمولی بوده‌اند.
شهدا خودشان را به خدا نزدیک کرده بودند از جانشان که با ارزش‌ترین چیز است، گذشتند.
برای نوجوانان باید عرق وطن‌دوستی شهدا را توصیف کنیم شهدا روحیه معنوی داشتند از خود گذشته بودند

مرز لار که پدرم در آنجا ماموریت داشت واقعا جایی برای زندگی نبوده، آسایش و آرامشی وجود نداشته و تنها چیزی که به پدرم آرامش می‌داده، عشقی بوده که به وطن و مردم‌اش داشته است.

چه توصیه‌ای به هم سن و سال‌های خودت داری؟
تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که با شهدا دوست شوند و زندگی را به سمت خدادوستی پیش ببرند.

برنامه‌ات برای آینده چیست؟
دوست دارم ادامه‌دهنده راه پدرم باشم همانقدر از خودگذشته و ایثارگر؛ و آنقدر لایق باشم که بتوانم الگوی مردم به این راه پرعزت شوم.
اگر الان پدر زنده بود دوست داشتی چه چیزی به او بگویی؟
«بهش بگم خیلی عاشقشم خیلی دوستش دارم کلی حرف برای گفتن دارم و در یک جمله نمی‌گنجه به اندازه تمام سال‌هایی که ندارمش حرف برای گفتن دارم. از کودکی تا نوجوانی‌ام پدر روی تخت بود و همیشه من صحبت می‌کردم و جوابی نمی‌گرفتم.»

وقتی دلت برای پدر تنگ می‌شود چه می‌کنی؟
معمولا سر مزار می‌روم، به قدری برایم آرامش‌بخش است که قابل توصیف نیست. می‌روم با پدر صحبت می‌کنم، درد دل می‌کنم حتی گاهی اوقات که نتوانم سر مزار بروم شروع به صحبت کردن می‌کنم.
[زهرا می‌خندد] گاهی گلایه هم می‌کنم که اگر تو بودی این اتفاق نمی‌افتاد.

از قول پدر یک جمله به مادر بگو؟
«ممنونم که این همه من رو دوست داری و تمام تلاشت را می‌کنی که مردم هم شهدا را دوست داشته باشند» مطمئن هستم پدرم این را به مادرم می‌گوید چون در این ۱۴ سال مادرم فقط برای شناساندن پدرم تلاش نکرد بلکه شبانه‌روزی برای ترویج فرهنگ «شهادت‌دوستی» تلاش کرده است.
فکر می‌کنی اگر پدر الان به تو دسترسی داشت و می‌توانست به تو پیامک دهد چه چیزی می‌نوشت؟
زهرا می‌خندد و می‌گوید:
«کمی خودشیفته جواب می‌دهم می‌نوشت زهرا خیلی دوستت دارم حتی یک کوچولو بیشتر از برادرت دوستت دارم.»

درباره این دو کلمه «مادر و پدر» یک جمله بگو؟
پدر: هزار جمله در ذهنم آمد، پدر برای من تجسم بهترین خوبی‌های زندگی است.
مادر: فداکار؛ کسی که از جان‌اش مایه می‌گذارد تا آب در دل بچه‌هایش تکان نخورد.

بزرگترین آرزویت چیست؟
جوری زندگی کنم تا وقتی پیش پدر رفتم سربلند باشم، به من افتخار کند. همین‌طور در جامعه و در طول عمری که خدا به من می‌بخشد انسان مفیدی باشم.

222.indd 6 11/8/2022 11:25:51 AM

حرف دل زهرا؛

من نمی‌گویم همدیگر را درک کنیم یا خودمان را جای فرد دیگری بگذاریم؛ فقط کاش مردم با هم مهربان‌تر باشند و کمتر دید منفی نسبت به هم داشته باشند. متاسفانه دیدگاه‌ها جوری شده که همه فکر می‌کنند فرزندان شهدا و جانبازان در رفاه و آسایش هستند در حالیکه اینطور نیست جای بعضی چیزها در زندگی، با هیچ چیز دیگر پر نمی‌شود.

فرزندان جانباز شیمیایی، اعصاب و روان و قطع نخاع، هر کدام در زندگی‌شان یک کمبود بزرگی به جا مانده است و با هیچ چیز قابل جبران نیست.

من ۱۶ آبان ۹۷ پدرم را از دست ندادم من در آن ۱۰ سالی که پدرم روی تخت بود هر لحظه حس از دست دادن را تجربه کردم؛ من هر چه از سختی آن ۱۰ سال بگویم باز هم کم است اینکه پدرم نمی‌توانست از دردهایش بگوید، غم‌انگیز بود. دورانی که پدرم روی تخت بود دعا می‌کردم شفا پیدا کند و دوباره سرحال شود اما در آن شرایط سخت به این دید رسیدم که از خداوند می‌خواستم فقط پدرم نفس بکشد و وقتی وارد خانه می‌شوم پدرم باشد.

با همه این حرف‌ها حکمت خدا این بوده؛ زمانی که پدر تازه جانباز شده بود، مادرم جمله قشنگی گفت: درست است نور خدا الان در این شرایط است و در کمای مطلق، ولی مانده تا نورِ خدا بشود و حکمتی از سمت خدا بوده و امروز من به این جُمله مادر رسیدم و معجزاتی که در این ۱۰ سال دیدیم خیلی قشنگ بود. مردمی که می‌آمدند پیش پدر و حاجت‌روا می‌شدند، برایم لذت‌بخش بود مثلا زن و مردی اهل جنوب، که سال‌ها بچه‌دار نمی‌شدند به دیدن پدر آمدند و خواستند پدر برایشان دعا کند، بعد از مدتی شنیدیم صاحب فرزند دختر شده‌اند و اسم دخترشان را به نیابت از پدرم «نور» گذاشته‌اند.

به کسانی که این اتفاق را برای پدر رقم زدند چه پیامی داری؟

راه درستی را انتخاب نکردید و حیف که از زندگی‌تان لذت واقعی نبردید وای کاش با خدا و دین واقعی آشنا می‌شدید و ای کاش قدری انسانیت در وجودتان بود.

بعنوان یک دختر انتظار داری شرایط اجتماعی تحصیلی و رفتاری جامعه چگونه باشد؟

برای هر دختری امنیت در زندگی اجتماعی حرف اول را می‌زند، خدا را شکر که امثال پدر هستند تا این امنیت را برایمان رقم بزنند و بعنوان یک دختر، وقتی در خیابان‌ها قدم می‌گذاریم شکرگزار این امنیت باشیم.

به لحاظ تحصیلی دوست دارم خودم و تمام دختران سرزمینم به آن مرتبه که می‌خواهیم برسیم و مسیری هموار پیش رویمان باشد و به بلندترین نقطه از علم برسیم.

و امیدوارم همه مردم کشورم در رفاه و آسایش باشند.

222.indd 7 11/8/2022 11:25:53 AM

یاحسین

علی بابایی، ۱۸ ساله
زرین شهر اصفهان

یا حسین، ای که مرزهای جهان
پیش درد تو رنگ می‌بازد
کوچه‌ها شهرها و کشورها
همه را یاد غم می‌اندازد

کوچه کوچه محرم آوردند
شهر، با نام تو مزین شد
در فضای معطر اسپند
تکیه، لبریز نوحه خواندن شد

همه‌ی شهر پر شد از یادت
همه جا پرچم سیاه زدند
نقش پرچم نوشت من این بود:
بطلب تا شهادتم بدهند

هر کسی دل دهد به یک یارت
من خودم عاشق علی اکبر
مادرم سفره‌ی تو را انداخت
خاله‌ام سفره علی اصغر

آن یکی هم به یاد قاسم تو
نذر "احلی من العسل" کرده
کودک کار را غذا داده
بچه با خرج خود عمل کرده

یک نفر از رقیه رخصت خواست
دختران را حجاب بر سر کرد
چادر و جانماز هدیه خرید
نذری "دختران حیدر" کرد

جمعی از مادران کوچه شدند
بهر اهدای خون، داوطلب
مادرم تا به خانه آمد گفت
این هم از نذر حضرت زینب

دکتری هم به یاد طفل رباب
نذر درمان کودکان را کرد
آن یکی واکسن، یکی تب داشت
همه را رایگان مداوا کرد

یک معلم به یاد عبدالله
نذر تدریس رایگان کرده
کمکی نیز با پس اندازش
به جهاز سه تا جوان کرده

آخر روضه گفت پیر غلام
راز سوزی که دارد امشب را:
نذر طفلان مسلمات کرده
اولین روضه‌ی محرم را

مثل هر سال، نذر سقایت
مشک آبی ست روز تاسوعا
کاسه کاسه میان جمعیت
نیتش هم دعا و حمد شفا

مصطفی مشک آب را پر کرد
بین مردم گرفت با عباس
بعد هر کاسه آب می‌دیدی
نغمه‌ی یا حسین و یا عباس

آری از کربلا به جا مانده
راه مردانگی و راه جهاد
شکر پروردگار، باز به ما
فرصت نوکری تان را داد

چشمه

سید آرش میرصفایی
۱۷ ساله، زرین شهر
اصفهان

از دل کوه می‌زند بیرون
چشمه‌ی آب سرد و شیرینی
توی آب، خوب اگر نگاه کنی
عکس خود را قشنگ می‌بینی

چشمه آرام می‌رود به سفر
در سفر او نمی‌شود خسته
او به دنبال آرزوهایش
می‌رود بی صدا و آهسته

آرزویش گمان کنم این است
زود رفتن به آخر رویا
رفتن و خوب خوابیدن
توی آغوش نرم و آبی دریا

نام جاودان

فاطمه حسین پور
۱۲ ساله
اردبیل

یک پلاک مانده یادگار
در کنار استخوان تو
استخوان و چند مشت خاک
مانده از تن جوان تو

لحظه‌های پر گرفتنت
از میان مین در کمین
تکه تکه های جان تو
سهم آسمان شد و زمین

لحظه‌های پر گشودنت
شوق تو زبانه می‌کشید
رنگ خون تو به روی خاک
نام جاودانه می‌کشید

در نگاه قاب عکس تو
عشق، چون پرنده‌ای رهاست
نقش ماندگار نام تو
روی شانه‌های کوچه‌هاست

برای غصه های جان زینب(س)

فاطمه سادات پاد
موسوی، ۲۱ ساله
حبیب آباد اصفهان

تصوُّر کن خودت را جای زینب
در آن عصری که بدتر از دلِ شب
تمام بستگانت غرق خونند
فقط مانده یکی، افتاده در تب ...

فقط زن‌ها و کودک‌های خسته
به دست و پایشان زنجیر بسته
هراسان از هجوم گرگ خوها
کنار هم به روی تل نشسته ...

یکی دستش به زیر چانه‌ی خویش
یکی هم، سر به روی شانه‌ی خویش
همه خیره به دشت لاله زارند
به مرگ بهترین دردانه‌ی خویش

ستم خشکانده لب‌ها را گلو را
به تیری، مشک پر آب عمو را
نه جانی مانده نه تاب و توانی
چه می‌فهمی صبوری های او را؟

نمی‌دانی چه‌ها زینب کشیده
نمی‌دانی که چشمانش چه دیده
نبودی جای زینب تا بفهمی
چرا شد قد رعنایش خمیده

امان از آن دل ویران زینب
چه آمد بر سَر مردانِ زینب
بخوان نوحه که تنهاً چاره این است
برای غصّه‌های جانِ زینب

222.indd 8 11/8/2022 11:25:56 AM

سرزمین پاک

نرجس احمدی
۱۲ ساله، اردبیل

در سنگ‌ها هم حرف‌هایی هست
حرفی پر از سختی و آسانی
در سنگ‌ها هم قصه‌هایی هست
از کودکان و جنگ و ویرانی

در یک جهان ساده و زیبا
در کوچه‌ها و در خیابان‌ها
ناگه زمین چون دشت، خونین شد
از آتش و خمپاره باران‌ها

با تانک و موشک حمله ور گشتند
بر خاک سبز پر گل و بوته
یک گوشه از این خاک، خونین شد
جان و تن ما گشت آشفته

در رودها هم خشم سرخی هست
خشمی پر از فریاد آزادی
ایران همیشه سبز خواهد ماند
این سرزمین پاک اجدادی

222.indd 9
11/8/2022 11:25:58 AM

پیشانی بند سرخ

آیلین جوانشیر | ۱۵ ساله | بیله سوار

کنار باغچه نشست و با دست‌هایش پونه‌های باغچه را لمس کرد، درست مثل آن روز که پنج ساله بود و غم کودکانه‌اش را به باغچه برده بود تا میان پونه‌ها گم کند. خوب به یاد داشت؛ بهار بود و او غرق در دنیای کودکی، عروسکش را به سینه می‌فشرد، مادر، گل‌های محمدی را پرپر کرده‌بود و توی کاسه‌ی آب ریخته بود، قرآن را در سینی قرار داده، به دست گرفته بود. بوی سفر در حیاط پیچیده بود. ساک بابا، گوشه‌ی حیاط می‌گفت:

-بابا قصد سفر دارد.

بابا به کنارش آمد و روبه‌رویش نشست و سیر نگاهش کرد. از بابا پرسید:

-کجا می‌روی؟

بابا جواب داد:

- جبهه.

فاطمه با معصومیت کودکانه‌ای گفت:

- جبهه کجاست بابا؟

چشم‌های پدر خیس شد و فاطمه را در آغوش گرفت و به خود فشرد. یک‌دفعه بلند شد و به سوی مادر رفت، از زیر قرآن رد شد و آن را بوسید، صفحه‌ای از قرآن را باز کرد و پیشانی‌بند سرخی که لای قرآن بود را برداشت. گوشه پیشانی‌بند نقاشی دخترکی بود که فاطمه با دست‌های کودکانه‌اش آن را کشیده بود، تا بابا، وقت دلتنگی، آن را تماشا کند و به یاد فاطمه بیافتد. بابا عکس روی پیشانی‌بند را بوسید و به روی فاطمه لبخند زد. پیشانی‌بند را به پیشانی خود بست و به راه افتاد. مادر پشت سرش کاسه آب را توی کوچه ریخت. فاطمه تا وقتی که پدر از خم کوچه گذشت، چشم به کوچه دوخته بود.

پدر رفت و سال‌ها گذشت و چشم‌های منتظر فاطمه در ته کوچه ماند. امروز بعد از این همه سال با قامت شکسته مادر، چشم‌های منتظرش را از ته کوچه برداشت و به همراه سیل جمعیت به پیشواز گل‌های بهشتی رفت شاید از بابا نشانی بیابد و بگوید که دیگر می‌داند جبهه کجاست.

همراه مادر به جمع گریانی که دست بر پیکر پرچم‌پوش شهیدان می‌کشیدند و عزیزان خود را جست‌وجو می‌کردند پیوست. اما نشانی از پدر نیافت، چشمانش بارید و زیر لب زمزمه کرد:

-ای ناموس دو عالم! ای پاک‌ترین مادر دنیا! قسمت می‌دهم به بزرگی خدا، مرا یاری کن تا گمشده خود را پیدا کنم.

سرش را بر شانه‌های خسته‌ی مادر گذاشت و از ته دل گریست. وقتی که آرام شد، سرش را از روی شانه‌های مادر برداشت و دل‌تنگ به پیکرهای بهشتی نگریست که یک‌دفعه چشم‌هایش به تکه‌ای از پیشانی‌بند سرخی افتاد که از گوشه یکی از تابوت‌ها بیرون زده بود. گوشه پیشانی‌بند، نقاشی که برای بابا کشیده بود دیده می‌شد. چشم‌های منتظر فاطمه، بعد از سال‌ها پر از اشک شادی شد.

222.indd 10 11/8/2022 11:26:00 AM

عینک

شکیبا خاکزاد
۱۴ ساله، اصفهان

هوا بدجوری گرم است؛ کولر را روشن می کنم گازی به قاچ هندوانه سرخ و آبداری که دستم اســت می‌زنم و به سمت آشپزخانه قدم برمی‌دارم، از کنار مبل که رد می‌شوم صدای ترق شکستن چیزی می‌آید خم می‌شوم و به عینک آفتابی شکسته هانیه نگاه می کنم؛ دسته قرمز عینکش شکسته شده؛ ته دلم خالی می‌شود؛ عینک و دسته‌اش را بلند می کنم و با نگاهم از مامان کمک می‌خواهم.

مامان می‌پرسد: شکست؟؟

بغض کرده‌ام سرم را تکان می‌دهم که یعنی بله.

مامان به سمتم می‌آید می‌گوید: خب آخه امانتی رو اینجا میذارن؟؟؟

راست می‌گفت؛ امانت بود، امانت بهترین دوستم هانیه؛ یک ماه پیش که رفته بودیم بیرون از جلوی مغازه دوچرخه فروشی که رد می‌شدیم عینک آفتابی‌اش را داد که بگذارم توی کیفم و من یادم رفته بود به او پس بدهم.

بغضم را قورت می‌دهم و می‌گویم: حالا چکار کنم؟؟

مامان می گوید: تقصیر خودته؛ چند بار رفتید پیش هم؟؟ چند بار بهت گفت عینکم را ببر و یادت رفت؟!

حق با مامان بود تو این یک ماه بیشتر از ۲۰ بار دیده بودمش، یا من یادم می‌رفت عینک را ببرم یا او یادش می‌رفت بگوید عینکم را بیاور. فراموشکار خوبی بودم. عینک و دسته شکسته‌اش را برمی‌دارم و به اتاقم می‌روم. چسب قطره‌ای را برمی‌دارم و سعی می کنم دسته را به عینک بچسبانم. نمی‌شود، اگر بشود دسته عینک دیگر تا نمی‌شود؛ تابلو می‌شود. هانیه بفهمد عینکش را شکســـته‌ام پوست از کله‌ام می‌کند.

هانیه روی این عینک آفتابی خیلی حساس بود؛ عمویش از خارج برایش سوغاتی آورده بود.

عینکش را از جانش بیشتر دوست داشــت. شاید بتوانم یکی مثل همین را برایش بخرم. نمی‌توانم، عینکش خاص است.

نگاهم می‌افتد به عینک آفتابی و دسته قرمز شکسته‌اش. دیدنش کلافه‌ام می کند و اعصابم را به هم می‌ریزد؛ باعث می‌شـــود عذاب وجدان بگیرم و بغض کنم. عینک بـــرای خودم نبود اگر بود اینقدر ناراحت نمی‌شدم.

یک ماهی می‌شد که عینکش پیش من بود؛ وقتی از کنار مبل رد شدم پایم رفت رویش و شکست.

از بخت بد من امروز قرار بود بیاید خانه‌مان و حتما این هفته همه روزهایم زیر موجی از عذاب وجدان سپری خواهد شد؛ سعی کردم عینک را بچسبانم ولی نمی‌شد.

مغازه‌های عینک فروشـــی همه به خاطر کرونا تعطیل شده بودند و هر چه فروشگاه‌های اینترنتی را زیر و رو کرده بودم عینکی مثل عینکش پیدا نکردم که شبیه عینک خودش باشد و نفهمد عینکش را شکسته‌ام.

اینترنت موبایلم را روشـــن می کنم و برای دفعه صدم عبارت «اگر عینک دوستمان را شکستیم چه کار کنیم؟» را جستجو می کنم، گوگل هم پشت‌سر هم مطلب‌های به درد نخور و بی‌ربط می‌آورد.

تقصیر خودم بود، اگر همان روز اول بر می‌گرداندمش یا اگر توی این یک ماه می‌بردم پس می‌دادم این اتفاق نمی‌افتاد.

صدای زنگ خانه می‌آید، هانیه است. صدای مامان را می‌شنوم که دارد با او احوالپرسی می‌کند.

دلم را به دریا می‌زنم، عینک را برمی‌دارم، می‌خواهم صادق باشم و همه ماجرا را برایش بگویم و عذرخواهی کنم. نهایتش در بدترین حالت دو سه ماهی با من قهر کند.

از اتاق بیرون آمدم و هانیه را با عینک آفتابی جدیدش دیدم. سلام کردم؛ پیش از آنکه به خودم فرصت پشیمان شدن بدهم عینک را بالا گرفتم و گفتم: ببخشید من حواسم نبود عینکت را شکستم. هانیه لبخند تمسخرآمیزی می‌زند و می‌گوید: همان بهتر که شکست، اصلا ازش خوشم نمی‌آمد.

بعد راه خودش را می‌گیرد و می‌رود سمت اتاقم. یخ می کنم؛ یعنی همه آن عذاب وجدان ها، گریه‌ها و نگرانی ها بیهوده بود؟؟!

به عینک نگاه می کنم حس می کنم اگـــر هانیه به جای گفتن این جمله، به خاطر شکســـتن عینکش تیربارانم کرده بود کمتر عذاب می‌کشیدم.

222.indd 11 11/8/2022 11:26:01 AM

برای بابـــــا

آیناز فتحی الماس، ۱۵ ساله، اردبیل

بهادر با ابروهای درهم کشـــیده درحالی که دستانش را به پشت زده بود طول و عرض سنگر را قدم می‌زد. هربار که طرف حاج مرتضی می‌رسید می‌پرسید: از نامه‌ها خبری نشد؟

آخر سر حاج مرتضی خندید و گفت: اییبی بابا! سرم گیج رفت؛ چقدر قدم می زنی؟ شیش ماهه به دنیا اومدی!؟

احمد دستش را لای موهایش برد و گفت: حاجی شیش ماهه چیه؟ پیش بچه محلها نگی آبروم می‌ره. خب دخترمه. چند وقته ازش بی‌خبرم. کل امیدم به این نامه‌هاست.

حرف‌هایش تمام نشده بود که خمپاره‌ای به سنگر کناری خورد. هردو، دست‌به سر، روی زمین دراز کشیدند. صدایی نمی آمد. دست پاچه، از سنگر بیرون رفتند. داخل سنگر بغلی خالی بود. حاج مرتضی گلنگدن تفنگش را کشید و گفت: خدارو شکر! کسی تو سنگر نبود، تو هم اینجا نمون، بیا از اینجا فاصله بگیریم. الانه که نامردا دوباره بزنن.

کمی از سنگر فاصله گرفتند. پشت خاکریز نشستند. حاج مرتضی تفنگش را به‌زمین تکیه‌داد و گفت: فریدون رو فرستادم نامه‌هارو بیاره.

بهادر لب‌هایش را تر کرد و با بغض گفت: خدا کنه نامه‌ی دخترم هم توشون باشه. همین که بغض، اشکی شد و گوشه‌ی چشمش درخشید، صدای سیف‌الله از آن ور خاکریز بلند شد در حالی که موج رادیو را می پیچاند بلند گفت: دَدُونن سنون، جنگین توپی آتیلانان، منیم دَدَمی یاندیردی بـــی رادیو.* بهادر...! بیا ببین می تونی این رو درستش کنی؟

بهادر چشمانش را از غروب خورشید گرفت و آن ور خاکریز را دید زد و گفت: ها ؟! چی میگی سیف‌الله؟

سیف‌الله رادیو را بالا گرفت و با لبخند گفت: خدایی کار خودته عادت کـــرده تو موجش و بپیچونی تا درست بشه... بدو که اخبار تموم شد.

بهادر سینه خیز خودش را طرف سیف‌الله کشاند و بی هیچ حرفی، رادیو را از او گرفت. بهادر پیچ موج را چرخاند، آنقدر این کار را ادامه داد تا صدای گوینده‌ی اخبـــار همراه با خش‌خش رادیو به گوش رسید. رادیو را که دست سیف‌الله می‌داد فریدون را سمت سنگر دید، درازکش در حالی که تمام بدنش آغشته به خون بود خودش را به سمت خاکریز می کشید. فریاد زد: حاجی! فریدون... فریدون زخمی شده.

هرسه، همزمان به طرف فریدون خیز برداشتند. بالا سر فریدون که رسیدند، حاج مرتضی سر فریدون را روی زانوانش گذاشت. بهادر صورت خون آلود فریدون را پاک کرد. چشم‌های فریدون می‌خندید. با سختی کیف را از دوشش درآورد و به سمت بهادر گرفت. بهادر کیف را نگرفته بود که دست فریدون روی هوا رها شـــد. صدای گوینده‌ی اخبار همراه با خش شنیده می‌شد که از رشادت های رزمندگان جبهه می گفت. بهادر هق‌هق‌کنان از میان نامه‌های توی کیف، پاکتی را بیرون کشید. روی پاکت نوشته بود:

–برای بابا بهادر ...

---

*از وقتی توپ جنگ را در کردند این رادیو پدرم را درآورده

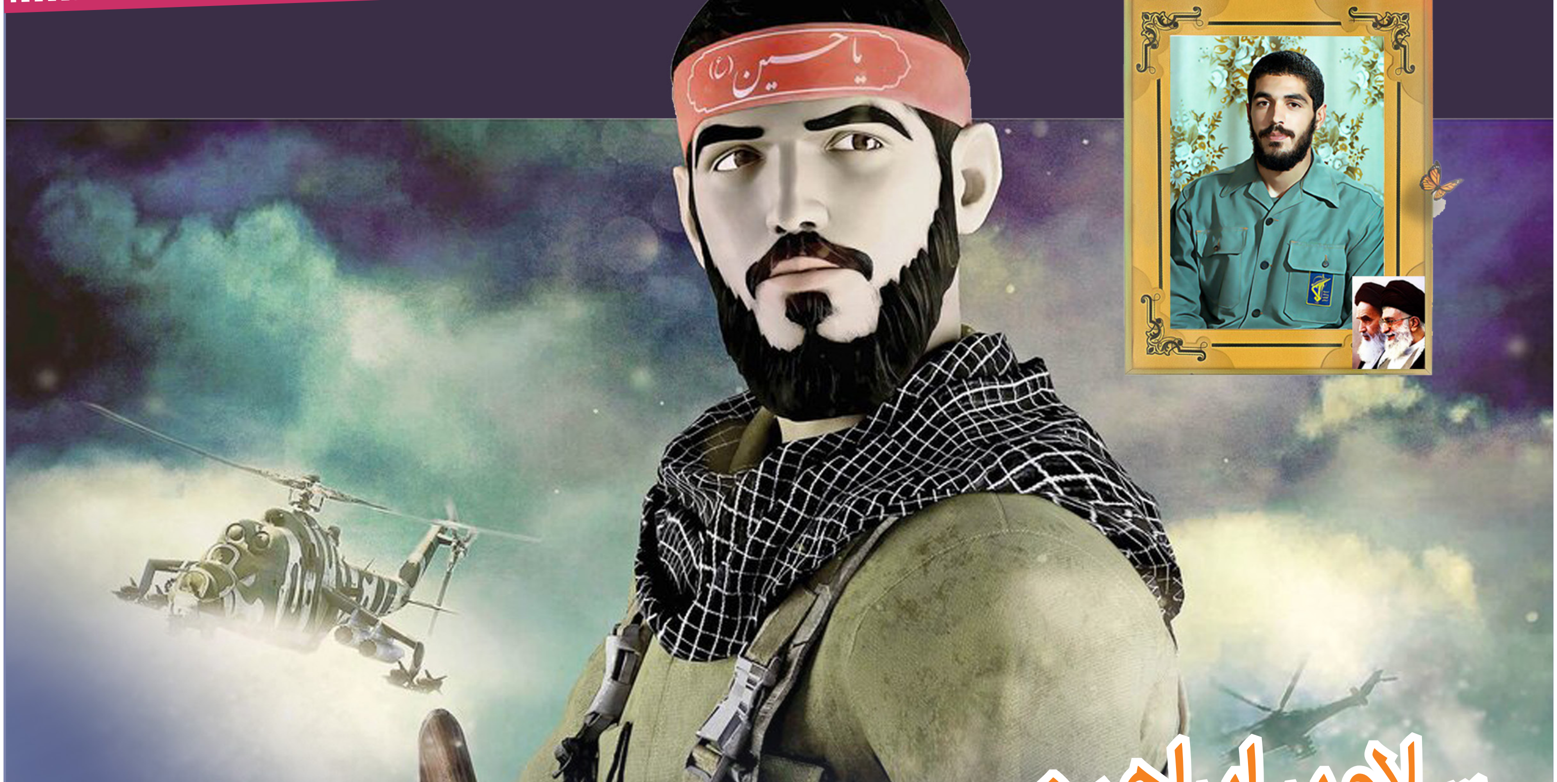

سلام بر ابراهیم

حسن رضاییان

پویانمایی "سلام بر ابراهیم" یکی از خاکریزهای مقابله با تحریف دفاع مقدس

"سلام بر ابراهیم"، یک اثر پویانمایی، آینه انعکاس قطره‌ای از اقیانوس دفاع مقدس به نسل جوان و از خاکریزهای مقابله با جنگ نرم دشمن است.

"شهید ابراهیم هادی" یکی از چهره‌های شاخص و از ستارگان درخشان دفاع مقدس در تاریخ انقلاب اسلامی است؛ پویانمایی "سلام بر ابراهیم" گوشه‌ای از ایثار و مجاهدت‌های این سردار رشید اسلام را با قلم هنر رسانه در قاب رسانه ملی به مخاطبان عام انعکاس داده‌است؛ این اثر، به کارگردانی "اسماعیل یوسفی" در حال پخش از رسانه ملی می‌باشد.

رخدادهای "کانال کمیل" در این اثر، تصویرسازی شده و کمتر در فیلم‌ها و سریال‌های دفاع مقدس به این موضوع پرداخته شده‌است.

دشمن در جنگ نرم، فرهنگ دفاع مقدس را هدف گرفته‌است

"سردار محمد جواد قهرمانی" در گفت و گو با خبرنگار مجله شاهدنوجوان گفت: امروز، دشمن به طور جدی با برخورداری از امپراطوری رسانه، وارد جنگ نرم تمام عیار شده‌است.

معاون پیشین فرهنگی سپاه تأکید کرد: دشمن دنبال تخریب ارزش های دینی و ملی ماســـت و یکی از حوزه های مهمی را که هدف قرار داده، دفاع مقدس است.

سردار قهرمانی با اشاره به اینکه ساخت تولیدات رسانه‌ای در قالب "پویانمایی، فیلم، سریال "یک سنگر مهم برای مقابله با جنگ نرم دشمن است تصریح کرد: یکی از رسالت‌های مهم ما جلوگیری از تحریف دفاع مقدس می‌باشد.

معاون پیشین فرهنگی سپاه با بیان اینکه باید در تصویر سازی فرهنگ دفاع مقدس بر اساس واقعیت‌های رخ داده در جنگ تحمیلی، ابعاد این گنجینه ارزشمند را بیان کرد اظهار داشت: این هم یکی از راه‌های مقابله با جنگ نرم است.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، نسخه سینمایی پویانمایی "سلام بر ابراهیم" با کیفیت 4K در مرکز پویانمایی صبا آماده شـــد؛ این انیمیشن درباره شهید ابراهیم هادی ملقب به "علمدار کمیل "است و سلحشوری‌ها و رشادت‌های این سرباز امام(ره) را روایت می کند.

"محمدرحیم لیوانی "گفت: مجموعه صبا در حوزه تاریخ معاصر و دفاع مقدس، انیمیشن‌های زیادی را تولید کرده و جدیدترین آن با عنوان "سلام بر ابراهیم" بوده که درباره شهید هادی است و به مدد الهی و تلاش دست‌اندرکاران، اثر بسیار فاخر و ارزشمندی از آب در آمده است.

به گفته او، شهید ابراهیم هادی می‌تواند الگوی مناسبی برای جوانان و نوجوانان باشد و برشـــی از زندگی دلاورمردی‌های رزمندگان دفاع مقدس را روایت می‌کند.

ناگفته‌هایی از زندگی این شهید وجود دارد که هم اکنون در قاب تصویر به نمایش در آمده و به پویانمایی "سلام بر ابراهیم" رنگ و بوی بکر بودن داده‌است. پس از اکران نسخه سینمایی، فصل اول این مجموعه ۱۰۰ قسمتی از شبکه‌های سیما نیز روی آنتن رفته‌است.

اسدالله دیانتی، تهیه کننده این پویانمایی هم درباره این مجموعه گفت: این پویانمایی به چهار فصل تقسیم شده است: فصل کودکی تا سن نوجوانی، نوجوانی تا انقلاب و تحولاتی که از نظر شخصیتی برای شهید ابراهیم پیش آمده، وقایع انقلاب که در جبهه غرب برای وی رخ داده و در نهایت از انتهای فصل سوم تا پایان فصل آخر، رویدادهایی که در جبهه جنوب و کانال کمیل رخ داده باز گو می‌شود.

همچنین اسماعیل یوســـفی کارگردان پویانمایی "ســـلام بر ابراهیم" درباره این اثر می گوید: کل این پروژه در کشـــور تولید شـــده و با کیفیت 4K پخش می‌شود. این پویانمایی سه بعدی در ۱۰۰ قسمت میهمان سیما می‌شود و از دل این مجموعه نخستین پویانمایی 4K سینمایی هم تولید شده‌است.

طبق آمار، انتشار کتاب "سلام بر ابراهیم" با استقبال علاقه‌مندان کتاب مواجه شده و این اثر جزء پرفروش‌ترین کتاب‌های حوزه دفاع مقدس است.

شهید ابراهیم هادی ملقب به "علمدار کمیل" در اول اردیبهشت سال ۱۳۳۶ در میدان خراسان شهر تهران دیده به جهان گشود. حضور در هیئت جوانان وحدت اسلامی و همراهی و شاگردی استادی نظیر علامه محمد تقی جعفری بسیار در رشد شخصیتی ابراهیم موثر بود.

222.indd 13 11/8/2022 11:26:06 AM

مصاحبه با مادر شهید محمود زیلوباف

بوی نان تازه همیشه اینجا می‌پیچد

مصاحبه گر:
زینت السادات فاطمی، سیدمسعود فاطمی

شهیدی که اول، تن بی جانش به خاک سپرده شد و بعد از چهل روز ،چون رهبر و مقتدایش حسین(ع) سـرش را در کنار بدن مبارکش دفن کردند.

سال تولد: ۱۳۴۴

سال شهادت: ۱۳۶۶

محل تولد: اصفهان

محل شهادت: شلمچه

تحصیلات: دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه مشهد

بوی نان تازه تمام خیابان را پر کرده، اینجا نانوایی پدر محمود است؛ دو طرف خیابان، درخت‌ها سر به آسمان کشیده‌اند چه اسم زیبایی این خیابان دارد: خیابان مهر.

مردمانش هم پر از مهرند و چه نوجوانـان و چه جوانان مهربانی از این خیابان عند ربهم یرزقون شـدند. یکی از آنها محمود است؛ محمود زیلوباف، فرزند علی و عزت.

سـلامی به نانواها می کنم، قبل از اینکه محمود، شهید شود بعد از مدرسه، تابستان‌ها و هر وقت که می‌توانسته توی این نانوایی یار و همراه پدر بوده‌است؛ زنگ خانه را می‌زنم؛ مادری مهربان، با لهجه‌ی شیرین اصفهانی در را به رویمان باز می کند؛ مادرهای شهید چقدر عجیب‌اند که امانت را چه نیکو به پروردگار باز گرداندند.

لطفاً خودتان را معرفی کنید:

عزت درودی، مادر شهید محمود زیلوباف.

پدر آقا محمود کجا هستند؟

به رحمت خدا رفته‌اند.

از زمان تولد آقا محمود برای ما تعریف می کنید؟

ماه بود، ماه. آنقدر زیبا بود که در بیمارستان دست به دست تماشایش می کردند(چه با ذوق از تولد محمود حرف می‌زند) از همان بچگی هیچ وقت مرا اذیت نکرد؛ خسته‌ام نکرد و همیشه خوب و مهربان و دوست داشتنی بود. در مدرسه همیشه شاگرد اول بود. به فوتبال علاقه داشت و با بچه‌ها توی کوچه فوتبال بازی می کرد؛ یکی دوبار هم شیشه و لامپ خانه را با توپ شکستند.(و می خندد)

از صفات اخلاقی آقا محمود برای ما بگویید:

دو تا الگو داشتم، با اینکه پدرش همیشه به جبهه کمک می کرد می گفت اینها را بفروش برای جبهه. توی خانه هر چه می توانست به من کمک می کرد و توی مغازه به پدرش. یک‌بار مهمان داشتیم رفت تا چند مرغ بخرد وقتی برگشت سه تا مرغ آورده‌بود و بقیه را در راه، به نیازمندان داده بود. نماز اول وقتش ترک نمی‌شد. همیشه با دوستانش به مسجد می‌رفتند. همه دوستش داشتند. بی‌نظیر بود.

دوستان صمیمی محمود چه کسانی بودند؟

پسر کهکشان و پسر آقای سلیمانی که هر دو شهید شدند. نوجوان‌های خیلی فعال و خوبی بودند.

کدام دانشگاه تحصیل می کردند؟

محمود، هم در رشته پزشکی دانشگاه همدان قبول شد و هم در رشته مهندسی شیمی دانشگاه مشهد، اما به همدان نرفت؛ اعتقاد داشت پزشک، جسم یک نفر را نجات می‌دهد اما معلم، روح و فکر صدها نفر را. دوست داشت معلم شود.

از مشهد و دانشجو بودنش بیشتر برایمان بگویید:

در مشهد با دوستانش یک جایی را اجاره کرده بودند؛ صاحبخانه وقتی خبر شهادت محمود را شنید آنقدر گریه کرده‌بود انگار فرزند خودش شهید شده، فقط از خوبی و مهربانی محمود حرف می‌زد. در مشهد همیشه در حرم بود و همیشه در آنجا درس می‌خواند.

آیا از جبهه رفتن آقا محمود اطلاع داشتید؟

محمود به هیچ کدامـان نگفت که به جبهه می‌رود؛ از مشهد به جبهه اعزام شد. با اینکه به دلیل کوتاهی یکی از پاهایش از سربازی معاف بود اما به جبهه رفت تا به دانش آموزان آنجا درس بدهد.

خبر شهادت محمود چه موقع و چگونه به شما رسید؟

شب عید بود، همه جا چراغانی. خبر آوردند که محمود شهید شده؛ این خبر برای همه ما دردناک بود؛ به من نگفته بودند که تن بی سر محمود را آورده‌اند و به خاک سپردند. چهل روز بعد، مثل امام و رهبرش امام حسین(ع) سرش را آوردند؛ پدر محمود و اطرافیان بدون اینکه من بفهمم سر مبارک پسرم را به گلزار شهدا بردند و دفن کردند. در روضه

222.indd 14 11/8/2022 11:26:07 AM

بودم که این خبر را شنیدم.

زهرا، همسر برادر و دختر خاله محمود از محمود می‌گوید:
کوچک بودیم و محمود دانشجو؛ همیشه به همه ما سفارش می‌کرد که درس بخوانیم؛ من دوم راهنمایی بودم و تازه داشتم زبان انگلیسی یاد می‌گرفتم؛ به محمود گفتم: معلمان گفته یک متن را ترجمه کنید و بیاورید. محمود گفت: باید بروم دانشگاه مشهد. از دانشگاه یک نامه برایمان فرستاد و در آن حدیث کسا را ترجمه کرده‌بود؛ وقتی برای معلمان خواندم خیلی تحت تاثیر قرار گرفت و منقلب شد.

وقتی خبر شهادت محمود آمد معلم زبان به من گفت: همان کسی که حدیث کسا را ترجمه کرده بود شهید شد؟....
حرف‌ها تمامی ندارد، خانواده شهدا چقدر صبور و مهربانند و مثل فرزندشان به خدا نزدیک.

222.indd 15 11/8/2022 11:26:10 AM

پاره‌تن

ماندانا واحدی

بوی گل های زرد زیبا همه جا را پر کرده است؛ این شهر در بهار و تابستان زیباتر می شود؛ انگار توی بهشت قدم می زنی؛ رویایی و خیال انگیز. با اینکه فصل تابستان است اما هوای خنک و مطبوع توی نفس‌هایت جاری است؛ آبشار در آبشار و رود در رود، با هم آواز می‌خوانند؛ سبز و زرد و آبی و بنفش و قرمز؛ اینجا هزار رنگ است؛ چه اسم‌های زیبایی :آبشار شلماش، چشمه کانی گراوان، رودخانه زاب، منطقه آلان، آبشار زرگه، غارآهکی، روستای درمان آباد، جنگل های روستای زمیران....

توی این شهر حتماً در حمام تاریخی، پل قلعه تاسیان و بازارش هم قدم بزن. از دیدن این‌همه زیبایی سیر نمی‌شوی. هُرم آشِ دوغ خوشمزه در خنکای آبشارها وصف ناشدنی است؛ طعم بهشتی «کَلانه» را حتماً باید بچشی؛ نان و روغن حیوانی و سبزی‌های محلی چه غذای مطبوعی ساخته است.

222.indd 16 11/8/2022 11:26:10 AM

سَردشت که همان زَردشت است دشـــتی رویایی و شهری بی بدیل که زیبای‌اش را نهایت نیست. این دشت‌های زیبای بهشتی در روزگاران نه چندان دور، آدم‌های بهشتی بسیار در خود دیده‌است؛ باورت می‌شود از این بهشت زیبا بیش از ۹۰۰ شهید، آســمانی شده‌اند؟ این درخت‌های سربه فلک کشــیده ۷۲ بار طعم بمباران را در هشت سال دفاع مقدس چشیدند اما سر خم‌نکردند و چه تلخ بود وقتی که در سال ۱۳۶۶ بمباران شیمیایی دشمن، اشک و اندوه را از چشمه‌سارهای این شهراستوار جاری کرد.

خواهرخوانده‌ی این شهر مقاوم، هیروشیماست که مثل سردشت، طعم تلخ بمباران شیمیایی را چشید.

اما یکی از این بهشتیان، شهید محمود کاوه بود که در سال ۱۳۴۰ به دنیا آمد؛ شهید کاوه شجاعت را خجالت زده کرده‌بود و رشادت، در برابرش کلاه از سر بر می‌داشت؛ آزاد سازی محور استراتژیک پیرانشهر به سردشت، فتح ارتفاعات مهم مرزی منطقه "آلواتان"، آزادسازی زندان "دوله تو"، بخشی از نبردهای **"شهید محمود کاوه"** بود؛ "شهید محمود کاوه" در "عملیات والفجر۲" با هدایت قوی رزمندگان، توانست ارتفاعات ۲۵۱۹ را با موفقیت تصرف کند.

فرزند کردستان "شهید محمود کاوه" در همین عملیات و در سال ۱۳۶۵ و بر بلندای قله ۲۵۱۹ به شهادت رسید.

اینجا سردشت است؛ سرزمین آلاله‌های همیشه زنده.

اینجا سردشت است؛ سرزمین شـــهدایی که چون رودهایش همیشه در ذهن و جان ما جاری هستند.

اینجا سردشت است؛ سرزمین گل‌هایی که هرگز پژمرده نخواهند شد.

اینجا سردشت است؛ سرزمین دشت‌هایی که تمام خوبی و زیبایی‌ها را در خود جای داده‌است.

سرزمین من افتخار من است.

222.indd 17 11/8/2022 11:26:10 AM

سیل قهر طبیعت است یا مهر و نعمت؟

علی‌اصغر زارعی
۱۳ ساله

۱

یادتان هست همین تابستان امسال (۱۴۰۱) سیل تقریبا تمام کشورمان را فرا گرفت؟
یک ویدئو آن روزها بسیار دیده شد که در انواع فضاهای مجازی به ادرس مجله شاهد نوجوان می‌توانید ببینید
می‌خواهم قصه آن را برایتان بگویم
قصه دارد
با من باشید

قصه یک روستای سیل زده. چرا و چگونه؟!
روستایی به نام نهوج وجود دارد که این روستا در منطقه برزاوند اردستان قرار دارد. ببینید و فاصله آن با کوهها را دقت کنید

۲

۳

برویم مسیر سیل یا همان مسیل را دنبال کنیم و متوجه شویم سیل، قهر طبیعت است یا لطف خداوند مهربان
اینجا محل جمع شدن سیلابها و جاری شدن سیل به سمت روستاست

و اینجا هم مسیل، وارد روستا می‌شود

۴

۵

این هم مسیر عبور سیل از روستا
دوستان عزیز ببینید قدیمی ها و روستاییان چقدر خوب فاصله محل زندگی شان را از مسیل رعایت می‌کردند

و این نکته مهمی است که اگر رعایت نشود باعث خسارت های فراوانی به شهر و روستاهامان می‌شود.
سیلاب با قدرت فراوان وارد منطقه مسکونی می‌شود و اگر مانعی سر راهش باشد تخریب می‌کند و جلو می‌رود.

۶

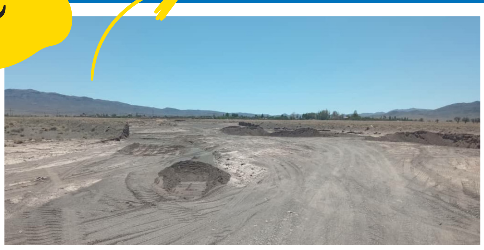

222.indd 18
11/8/2022 11:26:14 AM

اما اینجا در این
عکس یک پل
کوچک وجود دارد
که مانعی هست
در مسیر عبور
سیلاب.
این مانع را یا سیل
تخریبش می کند
و یا از روی آن باید
بگذرد

سیلابها بخاطر اینکه حجم زیادی از گل و لای و سنگ همراه خودشان دارند بسیار پر انرژی هستند برای همین هیچ مانعی نباید سر راه آنها ایجاد شود چون سیل تخریب می کند و جلو میرود ببینید این پل قدیمی چگونه مانع شده و چون استحکام داشته سیل از روی آن گذر کرده است
این تصویر نشان می دهد که سیل بعد از پل، مجددا گل و لای اطراف را می کند و انرژی مضاعفی گرفته و به مسیر خودش ادامه داده است
اما عکس بعد از این پل

و این نکته ای است که دانشمندان و کارشناس های محیط زیست در حال حاضر متوجه شده اند و در حال تحقیق هستند که ما باید باز هم آبخیز داری را اجرا کنیم یا نه.
ببینید دوستان، عمق آن مسیل چقدر زیاد شده است
علت اش همان مانعی است که ما در مسیر عبور سیل ایجاد کرده ایم

حالا بهتر متوجه می شوید که سیلی که بعد از گذر از یک مسیر طولانی آرام شده چگونه وحشی می شود و باعث تخریب محیط زیست ما می شود.
این عکس از قبل از مانع است
ببینید چقدر بستر آرام و زیبایی دارد.

اما نکته جالب روایت ما
سیلاب خروشان بعد از گذر
از روستا وارد دشت می شود
وقتی وارد دشت شد مجددا
به سطح زمین فرو میرود
ببینید چگونه آب در سطح
وسیعی پخش می شود
اینجاست که سیل باعث
برکت است.
یعنی به زمین فرو میرود و به مرور و در عرض چند ماه و شاید هم یکی دو سال وارد قنات روستاهای پایین دست می شود. کار قنات جمع آوری آبهای زیرزمینی است که در طول سالیان بر اثر بارش باران در زیر زمین جمع شده اند
اما سیل هم می تواند یک منبع مناسب و خیلی سریع برای تقویت قناتها باشد.

تصویری از روستای اشینه
که چند کیلومتر پایین تر از روستای نهوج قرار دارد را ببینید
ولی سر رشته قنات اش اینجاست و فرو رفت آب سیل در این منطقه باعث نفوذ در قنات این روستا می شود

امیدوارم این گزارش را که با کمک پدرم کارشناسی کردیم برایتان جذاب بوده باشد
حالا باز عکس سیل را ببینید و در آپارات اینستاگرام و واتساپ ویدئوها را به آدرس زیر متن ببینید
تصاویر خود گویای مطالب است
حجم آب و فاصله خانه های قدیمی تا مسیر سیلاب، قابل توجه است
همینطور تاثیر مانع ایجاد شده بر وحشی شدن آب را هم می بینیم اما مردم هم بواسطه اطمینانی که دارند با آرامش نسبی برخورد می کنند.
خداحافظ تان تا گزارش های پژوهشی بعدی
مجلات شاهد نوجوان را در فضاهای مجازی به آدرس زیر پیگیر باشید
Majaleshahed.nojavan

222.indd 19 11/8/2022 11:26:15 AM

چگونه امیرکبیر شوی

فخرالسادات فاطمی

خوب درس بخوانی

باید برنامه داشته باشی

آینده نگر باش

فکر مردم باش

زبان‌های خارجی یادبگیر

صادق و راستگو باش

می‌خواهی سیاستمدار شوی؟
رییس جمهور یا نماینده مجلس؟
می‌خواهی مثل امیرکبیر که فقط ۳ سال در قدرت بود و نام‌اش در تاریخ ایران ماندگار ماند شوی؟
قدرت اگر برای خیر و صلاح دین و دنیای مردم باشد خیلی خوب است و بر همه ما وظیفه است.
بدون شک در وجود همه ما انسان‌ها نیروهای درونی نهفته است و تفاوت انسان با دیگر موجودات آفرینش، در کنترل و مدیریت نیروهایی است که دارد.
*چگونه می‌شود نیروهای درونی را کنترل کرد؟
برای مدیریت خود باید از هم اکنون و در سن نوجوانی همانطور که برای آینده روشن خود خیالبافی می‌کنیم رشد ذهنی، فردی و روحی هم داشته باشیم؛ همین که ما بدانیم که جزءجزء رفتار ما از دید خداوند و کائنات دور نمی‌ماند و همه رفتارهای ما در همین جهان، به ما بازمی‌گردد قدم بزرگی در خویشتن داری و کنترل این نیروها برداشته‌ایم و با این اعتقاد، ما هیچگاه اخلاقیات و ارزش‌های انسانی را زیر پا نمی‌گذاریم تا به ثروت بیشتر یا به قدرت بیشتر برسیم.
هیچ راه مستقیمی بهتر از صادق بودن، امانتدار بودن، انصاف داشتن و شریف بودن برای سریعتر رسیدن به قله های کاری، اقتصادی و اجتماعی نیست.
دنیا محل گذر است چه خوب و چه بد می گذرد اکنون که نوجوان هستیم با تاریخ خواندن براحتی برایمان ثابت می‌شود جز با مهربانی و خدمت به بشریت آنهم برای رضای خدای مهربان یاد و خاطرمان در ذهن مردم نمی ماند.
شرافت، فقط خاص انسان است شرافت چیست؟ شاید در یک کلمه نجیب و پاک بودن است.
صداقت، خاص انسان است صداقت چیست؟ شاید در یک کلمه شفاف بودن است.
چرا امیرکبیر بزرگ است؟
تاریخ ما سیاستمدار شریفی بنام امیر بزرگ یا امیر کبیر را در خاطر دارد. رییس جمهور وقت ایران (صدراعظم) در زمان ناصرالدین شاه، که کمتر از دویست سال پیش زندگی می‌کرد. او بااخلاق و انسانیت جامعه را اداره می‌کرد.
امیرکبیر اولین مدرسه جدید را در ایران ساخت که دانش‌های پزشکی مدرن، مهندسی، معدن و داروسازی را آموزش می‌دادند او روزنامه راه انداخت و قوانینی برای رشد امور فرهنگی وضع کرد. او جلوی فساد اداری و رشوه‌گیری را گرفت. هدیه گرفتن را بر خود و دولتی‌ها ممنوع کرد. او حقوق ثابت دولتی وضع و مالیات را منضبط کرد و سدسازی را راه انداخت.
پست، امنیت راه‌ها، ایجاد و گسترش سفارت خانه ها، نیروی نظامی و توپخانه، مهمات سازی از دیگر کارهای امیرکبیر است. او همچنین انواع صنایع را وارد و داخلی سازی کرد.
پس دانش آموزی کن بزرگ فکر کن و بزرگ عمل کن

222.indd 20 11/8/2022 11:26:16 AM

درگیر ظواهر و سطحیات نباش تمام وقت‌ات را در فضای مجازی سپری نکن برای آینده‌ات برنامه ریزی آموزشی فراتر از مدرسه داشته باش ورزش کن و هنری بیاموز فقط به لذات نوجوانی ات نپرداز باادب باش و اشتباه نکن یادت باشد هر پیامکی از تو در فضای مجازی باقی می‌ماند روابط خودت را داشته باش زندگی کن اما چارچوب رفتاری درستی داشته با ش .

آینده کشورمان ایران در دستان توانای تو، هوشمندی، درک و شهامت توست. موفق باشی.

نکته: سالروز گرامیداشت میرزاتقی خان امیرکبیر در کشورمان روز ملی توسعه نام گزاری شده است.

دنیا محل گذر است چه خوب و چه بد می گذرد اکنون که نوجوان هستیم با جستجوی ساده در اینترنت و مرور زندگی درگذشتگان ثروت و قدرت دنیا براحتی ثابت‌مان می‌شود سلامتی و آرامش پایان عمر و حیثیت و شخصیت داشتن بعد از فوت‌مان در خاطره مردم دنیا جز با رعایت اصول اخلاقی انسانی بدست نمی آید جز با رضایت مردم جز با مهربانی و خدمت به بشریت.

222.indd 21
11/8/2022 11:26:16 AM

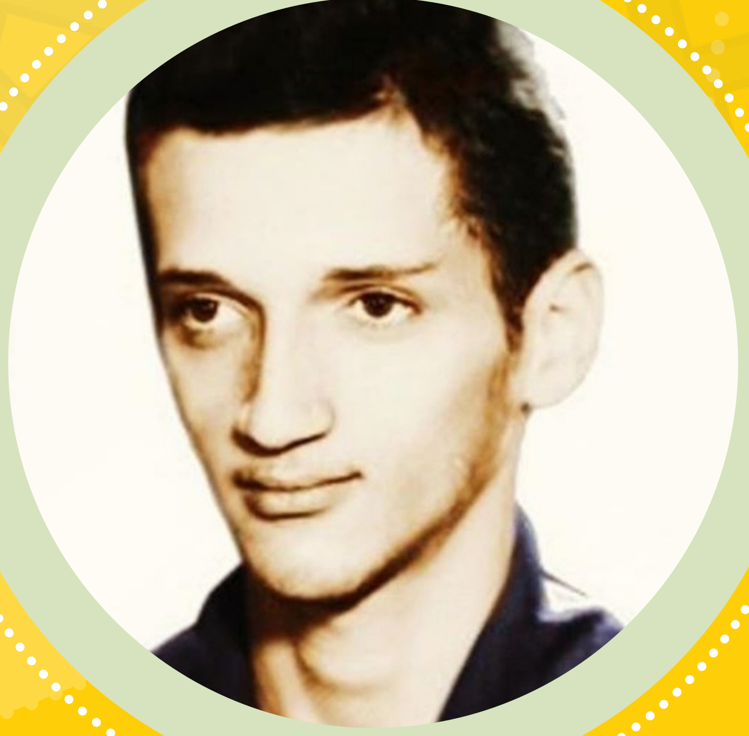

شهید امیر جمشیدی

"اواسط سال ۱۳۶۳ که حال و هوای جنگ به سـرم زد چون کم سن بودم تصمیم گرفتم که شناسنامه‌ام را دستکاری کنم، اما فکر کردم که جثه کوچک ام را چه کنم این کار به نظر می آید شـدنی نیست و باید فکر دیگری کنم. تصمیم دیگری گرفتم که در یکی از کابین‌های قطار، مخفی شوم تا بتوانم در جبهه ها حضور یابم.
هنگام مخفی شدن، مسئول قطار مرا دید، ولی با اصرار من رو به رو شد و بالاخره کوتاه آمد و مرا به جبهه رساند تا اینکه یک روز فرمانده من را دید و گفت: می‌خواهی بروی جلوتر؟ من هم از خدا خواسته، گفتم بله و من را سوار اتوبوسی کرد و هنگامی که رسیدم به مقصد دیدیم تهران هستم و پدر و مادرم منتظر هستند تا مرا به زادگاه‌ام برگردانند"
امیر جمشیدی این حرفها را زد و خندید، عاشق جنگیدن بود، تا کلاس دوم دبیرستان رشـته تجربی خوانده بود، پسر بهاری ما دوم فروردین ۱۳۴۷ بدنیا آمد، پدرش نوروز نام داشـت و کارگر بود، اسـم مادرش فاطمه بود.
همیشـه در کوچه پس کوچه های قزوین زادگاهش قـدم میزد و در زمینهای خاکی فوتبال بازی میکرد.
امیر جمشیدی نوجوانی بود که همیشه دنبال شر و شور بود برای همین به فکرش رسید در قطار مخفی شود تا بتواند برود جبهه، اما دست بر قضا نگهبان او را می بیند ولی اینقدر اصرار میکند که راهی جبهه می شود.
شهید امیر جمشیدی دوباره به جبهه برگشـت و این بار در کردستان و عباس آباد بانه به دفاع از حق علیه باطل شـتافت و طی عملیاتهای مختلفی که شرکت داشت در نهایت سـی ام فروردین ۱۳۶۴ هنگام درگیری با گروه‌های ضد انقلاب به درجه رفیع شهادت نائل آمد. مزار او در گلزار شهدای زادگاه‌اش قزوین است.
شهدای برجسـته دفاع مقدس، تئاتر ایثار، مجاهدت و ولایت‌مداری نوجوانان نسل اول انقلاب در تالار افتخارات این مرز پر گوهر است دفاع مقدس، چراغ روشن گذر از گردنه‌های خطرناک دشمن در ابعاد مختلف از اقتصادی و سیاسی، گرفته تا جنگ نرم است.
دفاع مقدس، یک تابلوی زیبای نقاشی در به تصویر کشیدن معنویت، استکبارستیزی و ولایت مداری رزمندگان اسـلام به ویژه نوجوانان و جوانان عزیز ما در هشت سال جنگ تحمیلی است.
دفاع مقدس، در این فضای طوفانی آلـوده به توطئه‌های فرهنگی نرم دشـمن، با برخورداری از امپراطوری رسـانه در دنیا، یک الگوی مهم و اساسـی برای نوجوانان و جوانان، جهت گذر از این باتلاق سیاسـت ایران‌هراسی و اسلام‌ستیزی دشمن اسـلام و نظام جمهوری اسلامی ایران است.
بیش از ۳۶ هزار شهید دانش آموز، از ستارگان درخشان آسمان ایران اسلامی هستند که استمرار و امنیت کشور را بنانهادند و برای این میهن اسلامی عزت آفرین بودند.
منبع: بنیاد شهید و امور ایثارگران قزوین

222.indd 22 11/8/2022 11:26:17 AM

کیاناز شاطریان

مصاحبه‌کننده:
شیماسادات خدامی ۱۵ساله

مصاحبه با نفر اول کنکور هنر سال ۱۴۰۱

از اول می دانستم چه رشته ای را دوست دارم

بعضی از ما نوجوان‌ها نمی‌دانیم باید چـه کاری انجام دهیم، کلا هیچ فکر و اندیشه‌ای برای آینده نداریم. فقط منتظر هستیم ببینیم در آینده چه اتفاقی برای ما رخ می‌دهد؟ و در مسیر رسیدن به هدفمان تلاشی نمی کنیم چون اصولاً هدف خاصی نداریم اما بعضی از نوجوانان از اول می‌دانند به چه چیزی علاقه دارند و باید چه کاره شوند؛ برای آن چیزی که به آن علاقه دارند تلاش می‌کنند و نتیجه تلاش خود را هم می‌بینند.

"کیاناز شاطریان" از اول به نقاشی و هنر علاقه داشت و می‌دانست که چه چیزی می‌خواهد با اینکه هیچ وقت به رتبه کنکور و... فکر نمی کرد ولی با این حال، همین علاقه به رشته خودش، باعث شد که رتبه اول کنکور هنر را به‌دست بیاورد. یعنی وقتی شما به چیزی علاقه‌مند باشید و برای رسیدن به آن تلاش کنید قطعاً نتیجه می گیرید. مهم این است که به هدف خودمان فکر کنیم و راه و رسم رسیدن به هدفمان را بلد باشیم بقیه موارد خودش اتفاق می‌افتد.

کیاناز شاطریان، متولد فروردین ۱۳۸۳ در اصفهان توانست به خاطر علاقه زیادی که به نقاشی دارد در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان هنرجو شود. این مدرسه یکی از بهترین هنرستان‌های آموزش هنر در کشوراست که همیشه هنرمندان زیادی را تربیت کرده.

گفتگو با خانم شاطریان را در زیر می خوانید:

خودتان را معرفی کنید؟

کیاناز شاطریان هستم، هنرجوی رشته نقاشی که در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان تحصیل می کردم.

به غیر از مشخصات شناسنامه‌ای اگر بخواهید کیاناز رو توصیف کنید چه می گویید؟

حقیقتا من از بچگی به نقاشـی و طراحی علاقه داشـتم؛ همیشه دنبالش می کردم؛ علاقه زیادی به این رشته داشـتم و از اول تحصیلم تقریبا راهم را می دانستم، می دانستم دوست دارم چه کاری انجام بدهم و آینده تحصیلی ام چگونه است.

وقتی وارد هنرستان شدید فکر می کردید نفر اول کنکور بشوید؟

حقیقتا من سال اول اصلا به کنکور فکر نمی کردم و مهمترین دغدغه‌ام کار عملی و نقاشی بود و واقعا فکرش رو نمی کردم که رتبه بیارم، اما خب از بچگی هم حس کمال گرایی زیادی داشتم و این همیشه تو زندگیم خیلی محسوس بود که دوست دارم بیشترین تلاشـم رو بکنم، واسه همین شاید اطرافیانم احتمال می‌دادند که رتبه خوبی بیارم.

چه عواملی در موفقیت تو موثر بود؟

فکر کنم اولیـن عامل، داشتن پدر و مادری بود که همیشه حامی من بودند، هیچوقت نظرشان را به من تحمیل نکردند و همیشه همه تلاش خودشان را کردند که شرایط برای من به بهترین شکل مهیا باشد، دومین عامل به نظرم اعتماد به نفس خوبی بود که از بچگی ام داشـتم و همیشه هم از مسئولیت داشـتن و تلاش کردن خوشـم می آمد، همه اینها باعث می شد هیچوقت خسـتگی به من غلبه نکند و مهمترین دلیل البته علاقه شدیدم به رشته‌ام بود، اینکه این راه را خیلی دوست داشتم برایم بزرگترین انگیزه و دلیل تلاش کردن بود.

در این مسیر شده بود که به تردید بیفتی؟

به نظرم تردید از عدم انگیزه می آید، برخلاف چیزی که اکثریت نوجوان‌ها فکر می کنند به نظر من انگیزه چیزی نیست که کسی به ما بدهد، اساسا چیزهایی مثل سخنرانی انگیزشی برای من بی‌معنی بود، انگیزه برای من به معنی علاقه است، هیچ انگیزه‌ای قوی تر از علاقه شخص نیست که می تواند تا بالاترین نقطه او را جلو ببرد، من هیچوقت تردید نکردم، چون راهم را انتخاب کرده‌بودم، راهی نبود که مجبوری یا به رسم تبعیت از عموم دنبال کنم، اما جدا از همه اینها خستگی و ناامیدی اجتناب‌ناپذیره و من هم دوبار در دو زمان مختلف در این یک سال کنکورم به این شرایط رسیدم، دی ماه و تقریبا یک ماه مانده به کنکور؛ اما در آن موقعیت سعی کردم فقط به یک چیز فکر کنم به زحمتی که کشیده‌بودم و اینکه نمی‌خواستم نتیجه‌اش ناامید کننده باشد.

چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟

می خواهم تحصیلاتم را در رشته نقاشی ادامه بدهم و دوست دارم رشته دومی را هم انتخاب کنم تا بتوانم فعالیت و قابلیت‌هایم را گسترش دهم، در کل هدفم این است که به نقطه‌ای برسم که بتوانم با افتخار بگویم که انتخاب‌های درستی در زندگی ام داشتم، دوست دارم نمایشگاه‌های بین المللی برگزار کنم و حتما پیگیر فعالیت‌های پژوهشی باشم، حس می کنم الان در ابتدای مسیر حرفه‌ای زندگی ام هستم و قدم‌های زیادی برای برداشتن دارم.

222.indd 23 11/8/2022 11:26:18 AM

خلبـــــــــان

فخرالسادات فاطمی

وقتی که می‌خواهی وارد کلاس دهم بشوی توی سرت هزار فکر می‌چرخد:
کدام رشته را انتخاب کنم؟
در آینده می‌خواهم چه کاره شوم؟
استعداد من در چه زمینه‌ای است؟
چه راهی را انتخاب کنم که پشیمان نباشم؟
چگونه آینده زیبا برای خود بسازم؟

دلت شور می‌زند؛ مدام از این و آن سوال می‌کنی کتاب می‌خوانی، مشاوره می‌روی تا بفهمی اولین قدم ها را بر روی کدام پله باید بگذاری. دنیا پر از شغل های رنگارنگ است و یکی از شغل های هیجان انگیز، شغل خلبانی اســـت؛ بیا تا با همدیگر حرفهای یکی از خلبان‌های شجاع دوران دفاع مقدس را بشنویم:

مصاحبه با خلبان نام آور
امیر سر تیپ خلبان حسین چیت فروش

امیرسرتیپ حسین چیت فروش خلبان ارتش جمهوری اسلامی با پروازهای بی شماری که در جبهه‌های جنگ داشته‌اند و افتخارآفرینی‌هایی که درطول زندگی حرفه‌ای خود رقم زده‌اند درحال حاضرعلاوه بر تدریس در دانشگاه‌های نظامی، کارهای خیر هم انجام می‌دهند؛ مدیریت مرکز جراحی و دندان پزشکی معلولین وردآورد از افتخارات خدماتی ایشان است.

مخاطبان مجله نوجوان ما نیاز به راهنمایی برای آینده شغلی شان دارند شما چه صحبتی برایشان دارید؟

فرض کنیم شما مخاطب عزیز و دانش آموز می خواهید شغل خلبانی را انتخاب کنید چه فاکتورهایی باید داشته باشید آنچه از گذشته در کل جهان، جذب خلبان برایش در اولویت بوده سلامت فرد است یعنی سلامت جسم به دقت معاینه می شود. شاید کسی باورش نشود چهل تخصص مختلف در رشته های مختلف، این دانشجوی استخدامی رشته خلبانی را می‌بینند.

یکی از ملاک ها چشم فرد است معاینه چشم چند مرحله دارد مثلا فرد می نشیند کسی از سمت راست و شخص دیگر از سمت چپ دستش را تکان می‌دهد آیا چشم آدم عادی را اینگونه معاینه می کنند؟ خیر؛ ولی برای تست خلبان واجب است.

معاینات چشم پزشـــکی معاینات مختلفی دارد در فضا می گوییم یک شی را دیدم یک هواپیمای دیگر، یک نقطه، یک شی مشکوک در رادار؛ و به سیستم های مراقبت پرواز اعلام می کنی من یک شیئی را دیده‌ام. باید بگویید از سطح من بالاتر است یا پایینتر و فاصله‌اش چقدر است تقریبی و درست باید بگویید.

پس بنابراین برای جذب رشته خلبانی باید سلامت باشید همه هم سالم هستند هیچ چیز خارق العاده‌ای از کسی نمی خواهند طبیعی همه سالم هستند دندان طبیعی، چشم طبیعی، قلب طبیعی، سالم است روی دانه به دانه ستون فقرات انگشت می کشند امکان دارد شخص، هیچ دردی هم ندارد اما ناگهان آن جوان ۱۸ و ۱۹ ساله از استخدام رد می‌شود و می گویند فاصله این مهره ها کم است و اگر این شخص پرواز جنگی بکند با هواپیمای فانتوم بنشیند و بلند شود و بپیچد فشارهایی به مهره های او می آید که این فرد تحمل نخواهد کرد و درد خواهد کشید و از پرواز کنار می رود و نیاز به دکتر خواهدداشت. بنابراین وی را پیشاپیش در این معاینه رد می کنند.

نوجوانانی که علاقه‌مند به خلبانی هستند چه کنند؟

سلامت خود را حفظ کنند دندان‌ها را مسواک کنند مراقب قلب‌شان باشند اهل سیگار و دود نباشند در هر صورت سلامت شان را حفظ کنند سلامت طبیعی، داشته باشند ورزش های خاص و تندروی نکنند مثلا نوجوانی به باشگاه می رود تا ورزش کند اما کلیه اش را از دست می‌دهد آمپول می‌زند آمپول ها اصلا طبیعی نیستند و به کلیه آن فرد آسیب می‌زند. اینها همه را در مراحل معاینه استخدامی خلبانی به دقت برآورد می کنند.

222.indd 24 11/8/2022 11:26:18 AM

بعنوان مثال برای خودمن هم چنین چیزی پیش آمد سال ۱۳۵۴ استخدام شدم که در معاینات بدنی به من گفتند در نوزادی ناف تو به خوبی بریده نشده نه درد داشتم و نه علامت منفی روی بدنم داشتم؛ روی پرونده ام ذکر کرده بودند که اگر این فرد تمام درس ها را قبول شد و خواست به امریکا اعزام شود قبل از اعزام باید جراحی شود درست وقتی که من پاسخ امتحان را گرفتم و پاسپورتام را گرفتم باید به بیمارستان می‌رفتم که گره زیر ناف را سفت کنند بدین ترتیب عمل انجام شد و من اعزام شدم.

در واقع اینها را نمی گویم بترسید اما سعی کنید بطور طبیعی سالم‌باشید بخصوص چشم و قلب.

ورزش متعادل داشته باشید و ورزش های هوازی که شما را قوی تر می کند انجام‌دهید.

امیر سرتیپ، نوجوانان علاقمند به شغل خلبانی چه رشته تحصیلی را باید انتخاب کنند؟

رشته دیپلم را ریاضی فیزیک انتخاب کنید همه محاسبات آیرودینامیک، فنی، حساب و کتابهایمان، رادار، برد رادار، به رشته ریاضی فیزیک نزدیک تر است همچنین معدل بالا می‌خواهد مثلا معدل ۱۵ کتبی هر گز قابل قبول نیست حتی اگر یک صدم معدل کتبی زیر ۱۵ باشد سیستم ریجکت می کند و شما را برمی گرداند در استخدام، بسیار توجه می کنند. تمام فرماندهان پایگاه خلبان هستند همیشه فرماندهان نیرو و هیات رئیسه نیرو خلبان هستند خلبان‌ها سرمایه‌های هزاران میلیاردی هستند.

یک دسته رادار، یک دسته ۲۹ یک دسته f۱۴، یک دسته ضدهوایی، یک پایگاه و یک دسته سوخو؛ فرمانده همه اینها یک خلبان است.

به غیر از رشته ریاضی در چه درس دیگری باید مسلط باشند؟

چه در خلبانی چه در رشته های دیگر به زبان انگلیسی مسلط باشید بخصوص در رشته خلبانی که تمام کتاب ها انگلیسی هستند.

آرزوی موفقیت برای تمام مخاطبان نوجوان تان دارم.

مصاحبه من با امیر به پایان رسید. با خودم فکر می کنم انسانهای زیادی بودند که هزاران سال رویای پرواز در سرداشتند و شاید فکرش را هم نمی کردند روزی این رویا به حقیقت بدل شود.

و حالا شاید تو دلات بخواهد خلبان شوی.

خلبان‌های آینده برایتان پرواز خوشی را آرزو می کنم.

222.indd 25 11/8/2022 11:26:18 AM

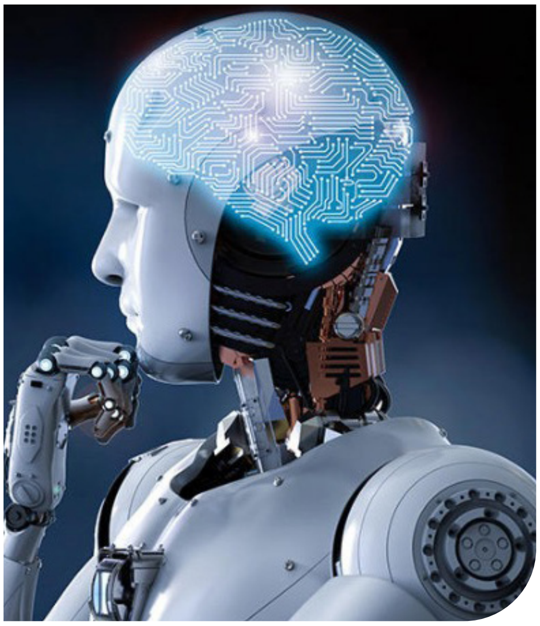

شغل‌های معروف آینده

به نظر شما چه شغل‌هایی در آینده این کشور مهم هستند؟ مهم بودن برای ما این است که اولا درآمد مناسبی نصیب ما نوجوانان شود و همینطور اهداف و ایده‌های خود را در جهت ایجاد جامعه اسلامی و انقلابی ایران گسترش دهیم.

تولید کننده محتوا در شبکه‌های اجتماعی

از بهترین شغل‌های آینده این است که شما یک تولید کننده محتوا در شبکه‌های مجازی بشوید تولید کننده محتوا یعنی همان کسی که متن می‌نویسد، عکس می گیرد، فیلم درست می کند، کلیپ می سازد، تغییرات می‌دهد، عکس و متن را درست می کند و همه کارهایی که در محتوای شبکه‌ها انجام می‌دهند. نکته مهمی که چنین مشاغلی لازم دارند داشتن خلاقیت، نوآوری، ایده‌پردازی و توانایی در نوشتن است. اگر از دوران نوجوانی، زیاد کتاب بخوانید، موسیقی و فیلم خوب ببینید و گوش دهید می‌توانید از همان زمان نوجوانی به کمک نرم افزارها و... در این کار استاد شوید. دقت کنید حتما نباید در جلوی دوربین فعالیت کنید، همان فیلمبردار، صدابردار، فتوشاپ کار، کلیپ ساز و... هم تولید کننده محتوا هستند. . در ضمن اگر خلاق باشید و ایده های نوین داشته باشید حتما مشتری برای کار خود پیدا می کنید. پس حتما در این کار تمرین زیادداشته باشید تا بتوانید اهداف و ایده‌های خود را دنبال کنید. حتما بارها و بارها شنیده‌اید که رهبر معظم انقلاب(مدظله العالی) به همه در خصوص فضای مجازی توصیه کرده‌اند و به همین خاطر مهم این‌است که از همین نوجوانی در فضای مجازی متبحر و استاد شوید.

توسعه دهنده هوش مصنوعی یکی از مشاغل آینده‌دار در ایران

هوش مصنوعی در تمام زمینه‌ها، جزیی از آینده ایران و جهان است که هم خیلی جذاب است و هم خیلی شغل پر درآمدی می‌باشد. امروز ساخت ربات جزء اصلی کار در شرکت های دانش‌بنیان و نوآور است. فکر کنید در خانه نشسته‌اید و هوش مصنوعی دارد کارهایتان را انجام می‌دهد. سازندگان هوش مصنوعی حتما از پردرآمدترین آدمهای سال‌های بعد هستند

متخصصان حوزه اینترنت اشیاء IOT

اینترنت اشیا یا اتصال وسایل مختلف از جمله وسایل خانه به اینترنت هر روز بزرگتر و وسیعتر می‌شود، امروز تقریبا همه وسایل به اینترنت وصل می‌شود و کسانی که در این زمینه فعالیت داشته باشند در آینده در ایران و جهان می‌توانند کلی شغل و درآمد به‌دست بیاورند.

222.indd 26 11/8/2022 11:26:20 AM

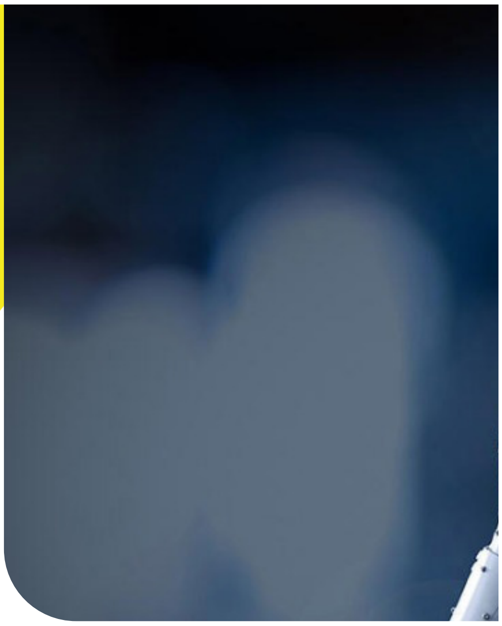

طراحی و ساخت اپلیکیشن

ساخت اپلیکیشـــن برای گوشی‌های تلفن همراه یکـــی از بهتریـــن و پردرآمدترین شـــغل‌های آینده ایران است، همان گونه که می‌دانید امروز بیشـــتر کارها با گوشی تلفن همراه انجام می‌شود و برای همین هم هر شغل و کاری با ساخت یک اپلیکیشن می‌تواند خود را معرفـــی کند. تقریبا اکثر کارها نیاز به اپلیکیشن دارد.

ساخت بازی موبایلی

بازی کردن، یکی از ســـرگرم کننده‌ترین کارهایی است که با گوشی می‌توان انجام داد. شورای عالی فضای مجازی و وزارت فرهنگ و ارشاد اســـلامی هم از این موارد خیلی حمایت می‌کند این کار جذاب است و اگر بتوانید ایده و اجرای خوبی داشته باشید می‌توانید کلی درآمد کسب کنید.

فروشگاه آنلاین

پس از کرونا مشاغل و فروشگاه‌های آنلاین، چند برابر شد و در بین مردم رواج زیادی پیدا کرد. امروز تقریبا همه چیز به صورت آنلاین خرید و فروش می‌شود راه اندازی یک فروشگاه آنلاین می‌تواند کلی درآمد برای ما داشته‌باشد. امروزه فروشگاه‌های آنلاین در تلاش برای تخصصی‌تر شدن و ارائه خدمات با کیفیت به مشتری هستند. از خریـــد و فروش پوشـــاک، خانه، لوازم ساختمانی و خودرویی بگیر تا حتی گل و گیاه و مابقی موارد. شما اگر یک فروشگاه آنلاین تاسیس کنید و بتوانید سال‌ها مشتریان خود را وفادار نگه‌دارید می‌توانید به مرور زمان بدون پرداخت اجاره، هزینه آب و برق و شاگرد و... به راحتی فروشگاه خود را داشته باشید.

دیجیتال مارکتر، یکی از ابرشغلهای آینده

دیجیتال مارکتینگ هم یکـــی از بهترین شـــغل‌های ۱۰ ســـال آینده ایران است. بازاریابی دیجیتال خیلی گسترده است و بسیاری از افرادی که در زمینه شبکه‌های اجتماعی، سئو، تولید محتوا و... کار می‌کنند به عنوان دیجیتال مارکتر شناخته می‌شوند. این صنعت، خیلی خاص اســـت و شرایط لازم در آن، فراتر از استراتژی‌های اساسی بازاریابی و مهارت‌های خلاقانه است. یک دیجیتال مارکتر از شبکه‌های دیجیتالی برای تولید و ایجاد آگاهی از برند استفاده می‌کند. یک دیجیتال مارکتر باید بتواند تجزیه و تحلیل دقیقی انجام دهد و نقاط ضعف را شناسایی کند. همچنین راه‌حل‌هایی برای بهبود عملکرد در این کانال‌ها پیدا کند.

یک دیجیتال مارکتر موفق در حوزه‌های مختلفی مثل:

پرفورمنس مارکتینگ

بهینه‌سازی موتور جستجو (SEO)

بازاریابی موتور جستجو (SEM)

طراح کمپین‌های تبلیغاتی

بازاریابی محتوا

آنالیز محتوا با گوگل آنالیتیکس

و مدیریت شبکه‌های اجتماعی

تخصص دارد.

تکنولوژی

اصولا حوزه تکنولـــوژی اعـــم از انرژی هســـته‌ای، ماموریت هـــای فضایـــی، نانوتکنولوژی، حوزه‌های دانش بنیان و... جزیی از مهمترین بخش‌هایی است که در آینده خیلی پردرآمـــد و جذابیت زیادی دارد. مطالعه و درس خواندن در این حوزه‌ها می‌تواند خیلی از نوجوانان را جذب دانش و کار کند. تمامی زمینه‌های تکنولوژی در آینده بسیار پر متقاضی و کاربردی هستند. شغل‌هایی که در آینده با آن‌ها سر و کار داریم، با چیزی کـــه امروزه می‌بینیم فرق دارد. حتما خودتان هم دیده اید در دوران کرونا حتی مدارس هم غیر حضوری شد و خیلی از خدمـــات دیگر، حضوری انجام نمی‌شوند و همه در بستر اینترنت، سایت و اپلیکیشن‌ها خواهند بود. همچنین شغل‌هایی وجود خواهند داشـــت که حتی امروز به ذهنمان هم خطور نمی‌کند. پس مهم است که در این زمینه‌ها حسابی متخصص شویم.

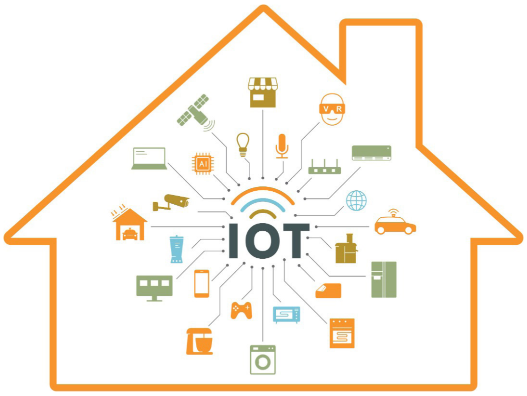

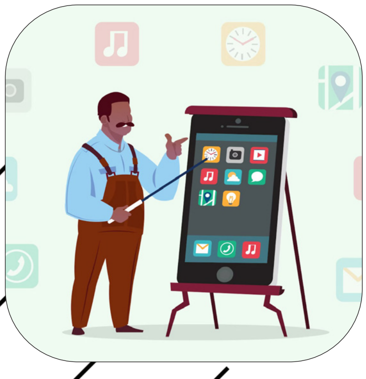

222.indd 27 11/8/2022 11:26:21 AM

در اعماق آسمان

چشمی که رو به گذشته باز شده است

سید مسعود فاطمی

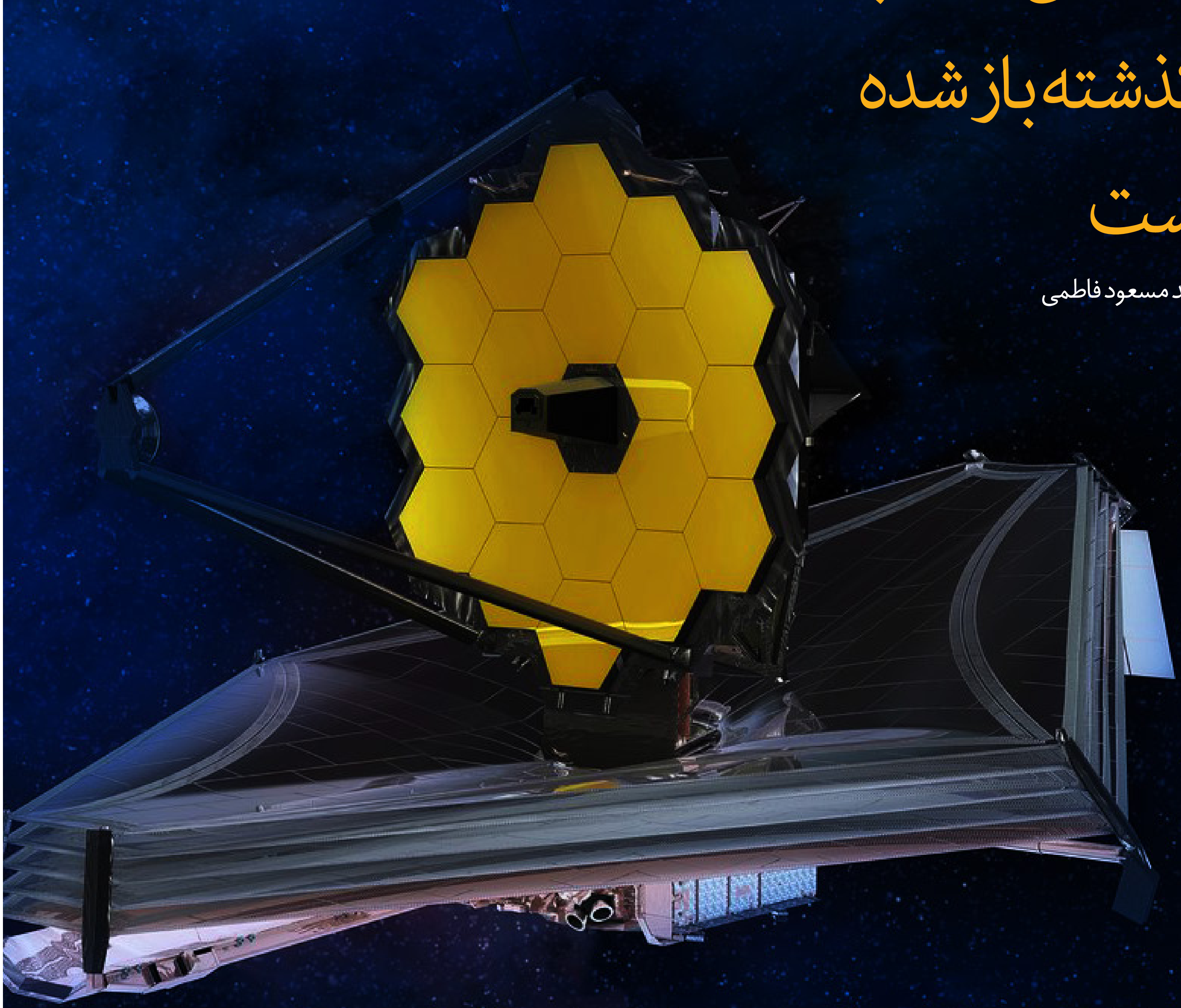

تلسکوپ فضایی جیمزوب یا JWST یکی از مهمترین و خارق العاده ترین ساخته های دست بشر است. این تلسکوپ میتواند چشم دوم ما به جهان هستی باشد.

شما فکر کنید بتوانید به اول جهان نگاه کنید، امروز ما در این مسیر قرار داریم.

سال ۲۰۰۲ نخســـتین باری بود که گروهی از آژانس فضایی آمریکا در دیدار با گروهی از آژانس فضایی اروپا از پروژه‌ای بلندپروازانه صحبت کردند؛ ساخت تلسکوپی که راه هابل را ادامه دهد و به آغاز جهان بنگرد.

تلسکوپ فضایی جیمز وب به احترام مدیر ناسا که ناظر بر آغاز پروژه آپولو بود، نامگذاری شده است.

جیمز وب به رصد و یافتن جواب سوالات ما مربوط به موارد زیر کمک میکند:

جهان اولیه

کهکشان‌ها در گذر زمان

چرخه زندگی ستاره‌ها

حیات در سیاره‌های دیگر

222.indd 28 11/8/2022 11:26:21 AM

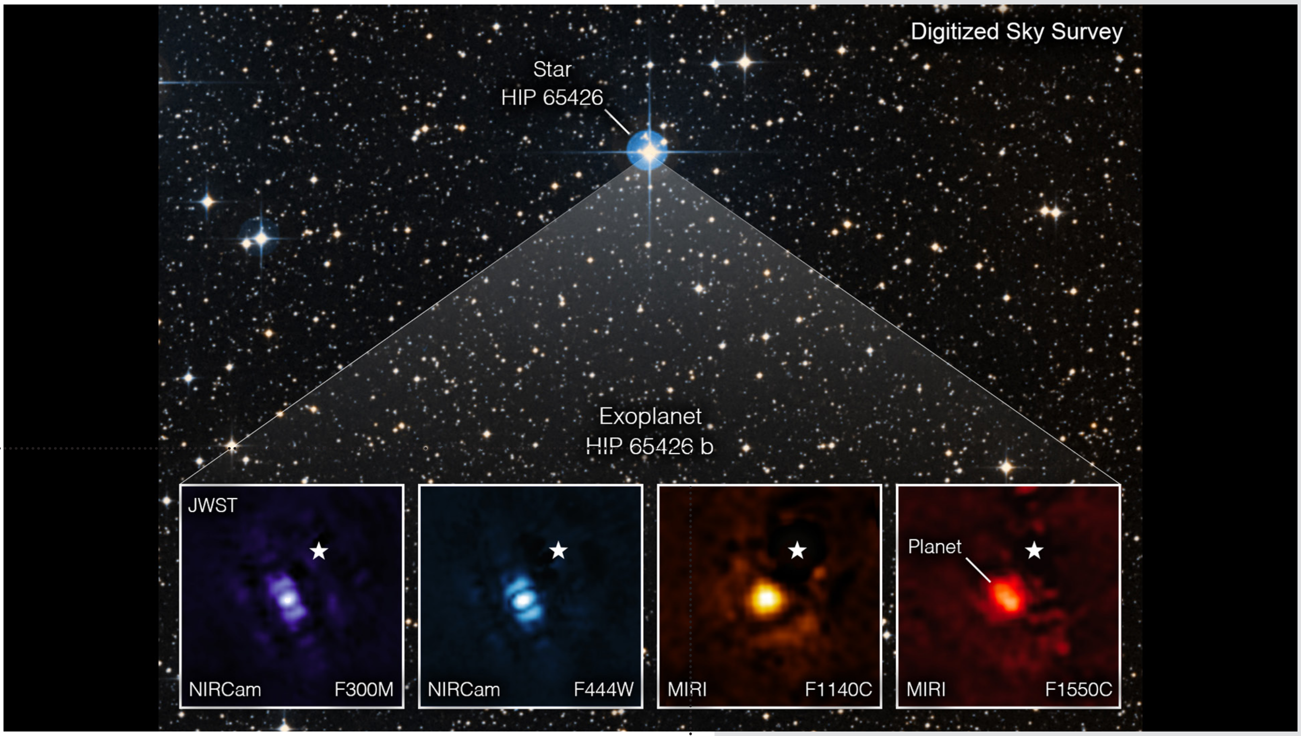

هرچه آینه تلسکوپ بزرگتر باشد، دید بهتری خواهد داشت. تلسکوپ فضایی جیمز وب با آینه‌هایی که به‌اندازه یک ساختمان دوطبقه بالا رفته‌اند و سپر خورشیدی بزرگ و گسترده‌اش بزرگترین رصدگر فضایی حال حاضر دنیاست. هرچه تلسکوپ و به‌ویژه آینه اصلی آن بزرگتر باشد، دید بهتری خواهد داشت. اما در عوض تلسکوپ‌های کوچکتر راحت‌تر به فضا پرتاب می‌شوند. لذا طراحان تلسکوپ جیمز وب کوشیدند هر دو مزیت را یک‌جا جمع کنند. آن‌ها تلسکوپی با اجزای جمع‌شونده ساختند تا هنگام پرتاب جای کمی بگیرد و پس از جای گرفتن در فضا اجزای تاشوی خود را باز کند.

این تلسکوپ پس از پرتاب بیش از ۱.۵ میلیون کیلومتر را طی می‌کند تا به نقطه پایدار جاذبه موسوم به لاگرانژ ۲ (L۲) برسد. این نقطه روی خط مستقیم خورشید به زمین قرار دارد و بدین ترتیب JWST در مدار سالانه گردش زمین به دور خورشید مستقر می‌شود.

تلسکوپ فضایی هابل که سی سال پیش به فضا پرتاب شد، نخستین ابزار فضایی ما برای رصد جهان بود و دیدی بی‌سابقه از جهان به ما داد. هابل طول موج‌های مرئی، فرابنفش و مادون قرمز نزدیک را رصد می‌کند؛ اما جیمز وب طول موج‌های قرمز مرئی تا فروسرخ میانه را رصد می‌کند تا اطلاعات بیشتری از آغاز جهان به دست بیاورد. حالا چرا موج‌های فروسرخ می‌توانند ابتدای جهان را نشان ما دهد؟ طول موج این موج‌ها خیلی زیاد است و زمان طولانی گذشته تا به ما برسد، در واقع اگر اتفاقی افتاده باشد این امواج میلیونها سال طول کشیده تا به ما برسد و اگر بتوانیم آنها را ببینیم میتوانیم در اصل میلیونها سال پیش را ببینیم.

برای دیدن امواج فروسرخ تلسکوپ جیمز وب باید به دمای منفی ۲۶۶ درجه سانتیگراد برسد، برای اینکار یک سایبان به اندازه یک زمین تنیس

بین این تلسکوپ و خورشید قرار دارد.

تلسکوپ فضایی وب در جهت عمل به وظایف مشخص شده، چهار ابزار اصلی خواهد داشت:

طیف‌سنجی فروسرخ نزدیک (NIRSpec) که می‌تواند به صورت همزمان ۱۰۰ جرم را رصد کند.

دوربین فروسرخ نزدیک (NIRCam)

دوربین و طیف‌سنج تلفیقی فروسرخ میانه (MIRI) به همراه یک سرد کننده که دمای دستگاه را منفی ۲۶۶ درجه سانتی گراد نگه می‌دارد؛

سیستم هدایتی و تصویربردار میدان وسیع (FGS/NIRISS) که شامل تنظیماتی برای رصد سیاره‌های فراخورشیدی است.

تاکنون ۱۰ میلیارد دلار برای طراحی و ساخت این پروژه صرف شده است.

در کل تاریخ ماموریت‌های فضایی، تنها یک جسم فضایی ساخته شد که بتوان آن را در فضا تعمیر کرد: تلسکوپ فضایی هابل.

تمامی ماهواره‌ها با این پیش فرض ساخته شده‌اند که امکان تعمیر آن‌ها در فضا وجود ندارد. این پیش فرض در مورد تلسکوپ جیمز وب نیز صدق می‌کند.

به عنوان مثال، دانشمندان در ساخت وب این نکته را در نظر داشته‌اند که اگر موتورهایی که مسئول در جای خود قرار دادن قطعات هستند، از کار بیفتند، بیش از یک مکانیزم برای راه‌اندازی آن‌ها وجود داشته باشد.

تلسکوپ فضایی جیمز ساعت ۱۵:۵۰ به وقت تهران روی موشک آریان ۵ از رصدخانه گویان فرانسه به فضا پرتاب شد. سفر این تلسکوپ تا فضا ۲۶ دقیقه طول می‌کشد اما زمان بسیار بیشتری طول خواهد کشید تا جیمز وب به مقصد نهایی برسد.

تیم پشتیبانی تلسکوپ فضایی جیمز وب ناسا اولین تصاویر از رصدخانه این تلسکوپ را روز جمعه (۱۱ فوریه) منتشر کرد. در تصاویر ارسالی، ستاره‌ای به نام HD۸۴۴۰۶ رویت می‌شود.

فرآیند باز شدن جیمز وب حدود ۶ ماه طول می‌کشد.

ناسا با انتشار اولین تصاویر رنگی، کهکشان‌های باستانی را نشان می‌دهد که متعلق به ۱۳ میلیارد سال پیش است و به این ترتیب درک ما از کیهان را تغییر می‌دهد.

بیل نلسون، مدیر ناسا در زمان رونمایی از این عکسها گفت: "ما به بیش از ۱۳ میلیارد سال گذشته نگاه می‌کنیم و تصاویر بیشتری که قرار است توسط آژانس فضایی منتشر شود، متعلق به حدود ۱۳.۵ میلیارد سال پیش است، نزدیک به نقطه شروع تخمینی خود کیهان و تقریبا به ابتدا برمی گردیم."

222.indd 29 11/8/2022 11:26:22 AM

سنگ و کلوخ

شب توی سنگر نشسته بودیم و چرت می‌زدیم؛ شب مهتابی زیبایی بود؛ فرمانده توی سنگر آمد و گفت: اینقدر چرت نزنین ، تنبل می‌شین، به جای این کار برید اول خط، سری به بچه‌های بسیجی بزنین.

بلند شدیم و رفتیم به طرف خاکریزهای بلندی که توی خط مقدم بود، بچه های بسیجی ابتکار خوبی به خرج داده بودند مقدار زیادی سنگ و کلوخ به اندازه‌ی کله‌ی آدمیزاد روی خاکریز گذاشته بودند که وقتی کسی سرش را از خاکریز بالا می‌آورد بعثی‌ها آن را با سنگ و کلوخ اشتباه بگیرند و او را نزنند. ولی ما خیال می‌کردیم که این سنگ‌ها همه کله‌ی رزمنده‌هاست، رزمنده‌هایی که پشت خاکریز کمین کرده‌اند و کله‌هایشان پیداست. یک ساعت تمام با سنگ‌ها و کلوخ‌ها سلام و علیک و احوالپرسی کردیم و به آنها حسابی خسته نباشید گفتیم و برگشتیم !

صبح، وقتی بچه‌ها متوجه ماجرا شدند تا چند روز به ما می‌خندیدند.

پوتین

موقع خواب به ما خبر دادند که امشب رزم شب دارید آماده بخوابید. همه پوتین به پا و با لباس کامل و تجهیزات نظامی خوابیدیم، تنها کسی که از رزم شب، خبر نداشت حسین بود؛ آخر حسین خیلی زودتر از بچه‌ها خوابیده بود. نصفه شب بود که رزم شب شروع شد؛ با صدای گلوله و انفجار از جا پریدیم. بچه ها مثل قرقی از چادر پریدند بیرون و به صف شدیم خوشحال بودیم که با آمادگی کامل خوابیده‌ایم و کارمان بی نقص بوده اما ناگهان چشمهایمان افتاد به پاهای بی‌پوتینمان. تنها کسی که پوتین داشت حسین بود. از تعجب داشتیم شاخ در می‌آوردیم آخر همه‌ی ما موقع خواب با پوتین خوابیده بودیم و حسین بی‌پوتین. به بچه‌ها نگاه کردم ، داشتند از تعجب کُپ می‌کردند. فرمانده با عصبانیت گفت: مگه نگفتم آماده بخوابین و پوتین‌هاتون رو دم در چادر بذارین؟ این دفعه رو تنبیه‌تون می کنم که دفعه دیگه حواستون جمع باشه.زود باشین با پای برهنه دنبالم بیاین...

صبح روز بعد، همه داشتیم پاهایمان را از درد می‌مالیدیم؛ مدام هم غر می‌زدیم که چطور پوتین از پاهایمان درآمده؟ ناگهان حسین وارد شد و گفت: پس شما دیشب از قصد با پوتین خوابیده بودین؟ همه با حیرت نگاهش کردیم و گفتیم: آره! مگه خبر نداشتی قراره رزم شب بزنن؟ ماتصمیم گرفتیم آماده بخوابیم.

حسین با تعجب گفت: نه! من خواب بودم نشنیدم. بچه ها که شاکی شده بودند گفتند: راستی چرا دیشب همه‌ی ماها پاهامون برهنه بود جز تو؟

حسین که عقب عقب راه می‌رفت گفت: راستش من نصف شب بیدارشدم خواستم برم بیرون چادر که دیدم همه با پوتین خوابیدن،گفتم حتما خسته بودین و از خستگی خوابتون برده ونتونستین پوتین‌هاتون رو در بیارین واسه همین اومدم ثواب کنم، آروم پوتین‌هاتون رو در آوردم ، بد کاری کردم؟

آه از نهاد بچه‌ها درنمی آمد. حسین را گرفتیم و با یک جشن پتوی حسابی حالش را جا آوردیم.

سعید

برای اعزام به جبهه رفتم اسم بنویسم.گفتند: سنّت کمه. کمی فکر کردم ،یک راهی به ذهنم رسید؛ به خانه رفتم و شناسنامه‌ی خواهرم را برداشتم، "ه "سعیده را با دقت پاک کردم،شد سعید. این بار ایراد نگرفتند و اعزامم کردند؛ هیچ کس هم نفهمید. از آن روز به بعد دو تا سعید توی خانه داشتیم.

222.indd 30 11/8/2022 11:26:26 AM

آمبولانس

تعداد مجروحین بالا رفته بـــود، فرمانده از میان گرد وغبار انفجارها به طرفم دوید و گفت: ســــریع بی‌سیم بزن عقب و بگو یه آمبولانس بفرستند مجروحین رو ببره.
بی سیم زدم؛ به خاطر اینکه ممکن بود عراقی‌ها شنود کنند از پشت بی‌سیم با کُد حرف می‌زدیم. گفتم: حیدر... حیدر ... رشید!
چند لحظه صدای فش فش به گوشم رسید و بعد صدای کسی آمد:رشید به گوشم
– رشید جان، حاجی گفت یه دلبرقرمز بفرستید!
– هه هه، دلبرقرمزدیگه چیه؟
– شما کی هستید؟ پس رشید کجاست؟
– رشید نیست. من درِ خدمتم
– اخوی! مگه برگه‌ی کُد نداری؟
– برگه کُد دیگه چیه؟ بگو ببینم چی می‌خوای؟
بد جوری گرفتار شـــده بودم، از یک طرف باید با کُد حرف می‌زدم که خواســـته‌مان لو نرود از طرفـــی هم با یک آدم بی‌اطلاع برخورد کرده‌بودم؛ بازهم تلاشم را کردم و گفتم:
– رشید جان! از همون‌ها که چرخ دارند!
– چی میگی؟ درست حرف بزن ببینم چی می‌خوای؟
– بابا از همون‌ها که سفیده
– هه هه. نکنه ترب می‌خواهی؟
– بی مزه! بابا از همون‌ها که روی سقفش یه چراغ قرمز داره.
– دِ لامصب زودتر بگو آمبولانس می‌خوام دیگه!
کارَد می‌زدند خونم در نمی‌آمد، آن‌همه تلاش کردم دشمن نفهمد چه می‌خواهیم اما....

منبع: وبلاگ خنده بازار اسلامی

222.indd 31 11/8/2022 11:26:27 AM

می خواهید نوجوانی شادی داشته باشیم؟

مشاوره با کارشناس طب سنتی
فاطمه جورکشان

وقتی دختر باشی ۱۱ سالت باشد یا ۱۷سال و وقتی پسر باشی ۱۳ ساله باشی یا ۱۷ ساله؛ در جسمات و در روحات توی افکارت انگار چیزی تغییر کرده است بزرگترها به آن می‌گویند «دوران بلوغ» و من می‌گویم سرگردانی میان کودکی و جوانی. انگار دست‌هایم زیادی دراز شده‌اند چاق شده‌ام و یا نکند بیش از حد لاغرم. اما شنیده‌ام می‌توانیم کارهایی بکنیم که این دوران را به راحتی پشت سر بگذاریم.

تاثیر رنگ ها بر ما در سن نوجوانی

به رنگ لباس هامان دقت کنیم حتی به رنگ اتاق‌مان؛ که آبی و سبز یا سفید باشد چون این رنگ‌ها آرامش می‌دهند اما رنگ قرمز پرخاشگری ما را زیادتر می‌کند.

رنگ هایی مثل قرمز یا رنگ هایی که پرخاشگری را افزایش می‌دهند این ها در ایجاد بلوغ زودرس موثر هستند بنابراین از قرار گرفتن‌مان در چنین محیط‌هایی باید پیشگیری بکنیم.

من خیلی می خوابم و گاه کابوس‌های وحشتناک می‌بینم.

گاهی آنقدر می‌خوابم که همه نگران می‌شوند یا برعکس تا نزدیکی‌های صبح بیدار هستم.

یا خیلی خجالتی هستم یا صریح و رک گو.

برای اینکه تمام اینها برطرف شـوند بیایید بیشتر طبیعت را دوست داشته باشیم ورزش کنیم و به همدیگر انرژی بدهیم.

روزها بیدار باشیم ورزش و تفریح کنیم و شبها زود بخوابیم. باور کنید خیلی حال‌مان خوب می‌شود.

غذاهامان چه باشد؟

سعی کنیم از خوردن فست فودها، ترشیجات، شوریجات، شیرینی‌های بازاری، کلوچه، شیرینی‌های تند و خمیری سفت و سخت مثل باقلوا، زولبیا بامیه، خودداری کنیم. می دانم سخت است اما تو اراده قوی‌ای داری. بیایید کمتــر چیپس و پفک بخوریم هرچند خوشــمزه‌اند اما غذاهای تند مثل فلافل یا ادویه‌های سـیاه در غـذا، مزاج‌مان را تند می‌کند. تابستانها یک سینی کاهو و سکنجبین جلویت بگذار و دل سیر بخور. انار و آب انار و آلبالو، حال‌مان را بسیار خوشایند می‌کند.

ما نوجوانان باید به شدت به وضعیت مزاج خود آگاه باشیم ما باید مزاج خود را بشناسیم.

مهم ترین مساله مزاجی یک نوجوان

مهمترین مسئله مزاجی یبوست است اگر دچار یبوست می‌شوی حتماً باید این موضوع را حل کنی.

خوردن شـیرینی جات، یبوسـت را تشـدید میکند خـوردن آلو و لواشــک‌های خانگی در طول روز به رفع یبوست کمک می کند. بین مغزیجات، مصرف بادام درختی بصورت کنترل شده یعنی ۷عدد در روز موثر است.(در دوران نوجوانی مصرف مغزیجات باید کنترل شده باشند) برای رفع یبوست، انجیر خیسانده شده در طول شب که صبح ناشتا میل کنی بسیار می‌تواند در رفع یبوست موثر باشد.

در موارد یبوست مزمن، حتماً باید به پزشک مراجعه کنیم.

مساله آزاردهنده جوش‌های صورت

جوش یا آکنه چیزی اســت که خیلی از مــا را در دوران نوجوانی آزار می دهد معمولاً از ۱۳ سالگی شروع میشود و تا ۱۷ سالگی ادامه دارد می‌دانســتی آکنه انواع مختلفی دارد آکنه گرم و آکنه سرد. آکنه گرم جوشهای روی پوست هستند که عمدتاً التهابی‌اند و رنگ قرمز دارند این ها ممکن است به صورت دمل در بیایند و بزرگ باشند این آکنه ها را عمدتاً اگر دستکاری نکنید جای خاصی از خودشان باقی نمی گذارند کسانی که دچار آکنه گرم هستند عمدتاً معده سردی دارد یعنی دچار آکنه گرم و خشک شده‌اند معده آنها ســرد است و اینجور افراد عمدتاً اضافه وزن دارند طبعشان طبع صفراوی است و پرهیزات این افراد این است که در اول صبح اصولا نباید سردی بخورند آنها می‌توانند روزشان را با یک کمی سیاه دانه و یک قاشق عسل شروع کنند اینکه صبح ناشتا

222.indd 32 11/8/2022 11:26:29 AM

شیر بخورند اصلا کار درستی نیست هم دختران و هم پسران.

وقت عصبانیت

گاهی خیلی عصبانی می‌شــوی آنقدر که بعد آن پشـــیمانی اما ما می توانیم تمرین کنیم که خویشــتن دار باشیم در این گونه مواقع نفس‌های عمیق بکشیم و ســعی کنیم هر روز مراقبه و مدیتیشن کنیم.

بهداشت فردی

یادمان باشد مسواک زدن درصبح و شب باکتری های دهان را خارج می‌کند و حس خوبی به فرد می‌دهد.

دختران نوجوان

اگر دختر هستی باید بیشتر مراقب خود باشی مثلا از مصرف غذاهایی که تولید خلط سرد و خشک میکند دوری کنی مواردی مثل ماکارونی، بادنجان، خیار ،گوجه، عدس، تولید سودا یا سردی و خشکی بســیار دارند توصیه می شود کمتر مصرف شوند.

همچنین از مصرف مواردی که خلط غلیظ ایجاد می کنند مثل سوسیس، کالباس، لازانیا،خودداری شود.

غذاهای مناسب دختران نوجوان

آبگوشت گوســفندی، مربای سیب، مربای هویج و مربای زردک غذاهای پخته شــده با گندم و جوجه ساده در ســلامت نوجوانان بسیار موثر است.

امــا دختران نوجــوان در این شــرایط چه رفتارهایی بهتراست داشته باشند؟

خیلی خوب است که هر روز یک پیاده روی سبک مخصوصاً در طبیعت زیبا داشته باشیم

بخورهای آرامبخش مثل اســطوخودوس هم خیلی مفید اســت دمنوش بابونه خیلی دردهای این دوران را کاهش می دهد زیاد چای نخوریم و سعی کنیم بیشتر دمنوش مصرف کنیم بعضی نکته‌های ریز هست که بهتر است بدانیم و رعایت کنیم مثلا وقتی ظرف ها را می شویی حواس‌ات باشد لباس‌ات خیس نشود تنفس عمیق را یاد بگیر و در هوای آزاد نفس بکش همه این کارها باعث می شود تا لحظه لحظه دوران نوجوانی‌ات پر از آرامش باشد.

ما می‌توانیم با رعایــت این نکات، دوران نوجوانی پر از ســلامتی، بهکامی و پر از شادی داشته باشیم.

222.indd 33 11/8/2022 11:26:31 AM

نگهبان سرو

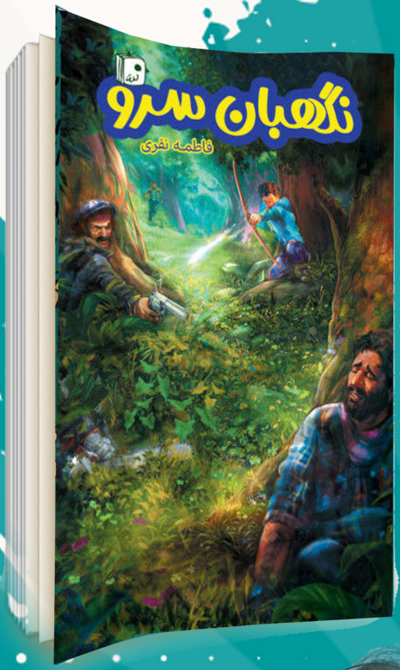

حسن رضاییان

"نگهبان سرو"، رمانی بر پایه نمادها و کهن الگوهای کشورمان با روایت داستان پسر نوجوان یک محیط بان نوشته شده است.

"کتاب" و "فیلم"، آینه انعکاس نمادها و کهن الگوهای تاریخ قطور ایران است.

امروز، ابزار هنر، به سنگر مستحکم مقابله با تهاجم نرم دشمن تبدیل شده‌است.

دشمن با برخورداری از امپراطوری رسانه، دنبال ترور فرهنگ ایرانی و اسلامی و قطع ریشه تمدن کهن ایران در اذهان یک ملت بزرگ تاریخ ساز با پشتوانه غنی دینی و ملی و به ویژه قشر نوجوان و جوان، این معماران ساخت آینده‌ای درخشان برای این سرزمین پر گوهر است.

"محیط زیست"، امروز قربانی زیاده خواهی و منفعت طلبی انسان‌ها، بدون نگاه به آینده‌ای همراه با مرگ محیط زیست شده است.

صنعتی شدن، تیشه‌ای بر ریشه محیط زیست است.

"نگهبان سرو"، داستان پسر نوجوان یک محیط بان را در حمایت از محیط زیست در برابر قاچاقچیان چوب روایت می‌کند.

این کتاب با زبان ساده و روان، روحیه مبارزه جویی، حق طلبی، ایستادگی، شجاعت و ایستادگی مقابل ظلم را به شکل یک منشور به مخاطبان نوجوان خود منعکس می‌کند.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

مردمی که از قدیم می‌گفتند: "اگر کسی سرو را قطع کند، کمرش می‌شکند! اگر کسی با هیزمش خانه‌اش را گرم کند خانه اش می‌سوزد!" یا می‌گفتند: "اگر سرو قطع بشود، بلا می‌آید؛ بلا هم تر و خشک را با هم می‌سوزاند."

آن وقت، همین مردم، پدرم را تنها گذاشته بودند تا به این روز بیفتد؛ اگر بابا را می‌بردند و دیگر هیچ نمی‌دیدمش؟ دوست داشتم دهانم بود تا با تمام وجودم فریاد بزنم و جنگل را از خواب زمستانی بیدار کنم؛ با چشم‌های تارم به آسمان نگاه کردم تا شاید ماه را ببینم، اما از ماه هم خبری نبود تا اندک نوری به جنگل سیاه بدهد....

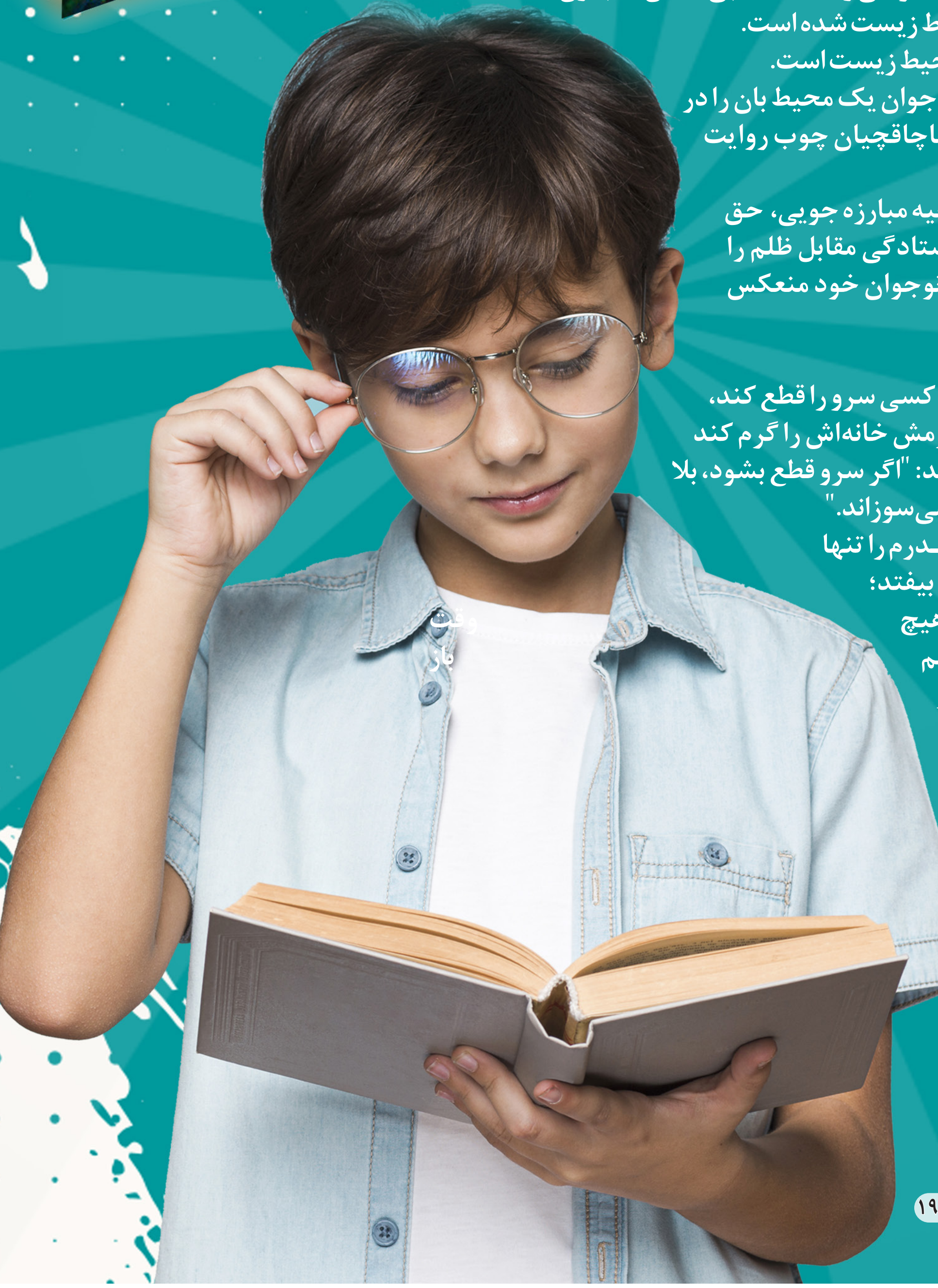

222.indd 34 11/8/2022 11:26:32 AM

گردان قاطرچی‌ها

زینت السادات فاطمی

داوود امیریان روز پنجم فروردین به دنیا آمد و بساط عید دیدنی خانواده‌اش در ســال ۱۳۴۹ را کلا به هم ریخت؛ نوجوان بود که مثل خیلی‌ها شناسنامه‌اش را دستکاری کرد تا بتواند به جبهه برود. جبهه هم جنگ دارد و هم غم اما داوود امیریان توی کتابهایش به ما نشان می‌دهد که یک عالمه لبخند هم دارد. این نویسنده، لبخندهایش را توی کتاب‌هایش به ما هدیه می‌دهد؛ کتاب‌هایش خیلی خواندنی است، جالب و پر از قهقهه؛ کتاب‌هایی مثل "جام جهانی در جوادیه، خمپاره‌های فاســد، رفاقت به سبک تانک، فرزندان ایرانیم" و یک عالمه کتاب دیگر.

داستان این کتاب، در مورد یکی از گردان‌های تدارکاتی در جبهه‌هاست؛ قرار می‌شود تعدادی رزمنده نوجوان با استفاده از چند قاطر، آذوقه گروهی از رزمنده‌ها در ارتفاعات کردستان را به دستشان برسانند؛ شخصیت اصلی ماجرا یوسف است که مسئولیت نگهداری و آموزش چند قاطر برای حمل آذوقه و مهمات به او سپرده شده‌است. در طول این ماجرا، نوجوانان برای قاطرها اسم‌های جالبی انتخاب می‌کنند: قُزمیت، پیکان، کوسه جنوب، لب‌شتری. "گردان قاطرچی‌ها". استفاده از زبان طنز و نگاه متفاوت نویسنده به خوبی توانسته تاثیر مثبت خود را بر روی مخاطب نوجوان بگذارد.

دفاع مقدس، تنها یک لایه ظاهری پر از خشونت نیست بلکه پرداختن به لایه‌هــای پنهان ایــن دفاع مقدس می‌تواند از تمام زوایا و به گونه‌ای لذت بخش به نوجوانان منتقل شود. نویسنده، ساده، جذاب و روان می‌نویسد و شخصیت پردازی‌ها جامع و کامل است؛ به ابعاد مختلف شخصیت‌های داستان پرداخته‌شده‌است. اتفاقات، فراز و فرود و گره‌افکنی و گره‌گشایی دارند و این امر باعث می‌شود تا دلت بخواهد تمام داستان را تا آخر بخوانی؛ اما یک ایراد هم دارد: در این داستان، کرامت که به خاک دشمن رفت و آمد می‌کند طی ماجراهایی که چندان منطقی هم نیست با رزمندگان ایران دوست می‌شود و خواننده با این سوال مواجه است که چگونه می‌شــود در ایام جنگ به چنین کســی اطمینان کرد؟ اما به هر حال با این رمان زیبا و

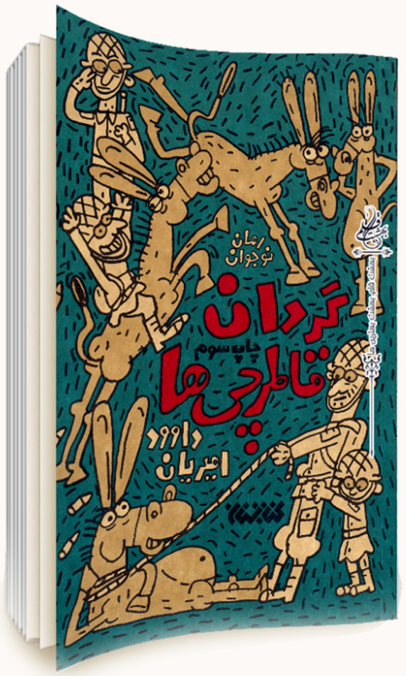

جذاب، هم لبخند به لب‌هایت می‌آید و هم با شجاعت‌ها شهامت‌ها و وطن پرستی رزمندگان جنگ بیشتر آشنا می‌شوی.

بخش کوتاهی از این رمان را بخوانید و برای خریدنش از کتابفروشی یا امانت گرفتنش از کتابخانه عجله کنید:

_عقل تو کله شما دوتا نیست؟ آخه من چه گناهی کردم گیر شماها افتادم؟

یوســف دهانش کف کرده بود و یک نفس فریاد می‌زد. سیاوش و دانیال سرشان را پایین انداخته و خود را به موش مردگی زده بودند و جیک نمی‌زدند.

_اون چه آشوبی بود که به پا کردید؟ قسم می‌خورم اون آتش سوزی و به هم ریختن میدون کار شما دو تا بود.

دانیال که بلد بود چه طور خودش را به موش مردگی بزند با صدایی لرزان و بغض کرده گفت: "تو هم هی نق به جیگر ما بزن. خودت دیدی که ما کاری بکنیم؟ برای چی تهمت می زنی؟ من و سیاوش روحمون از آتش سوزی و فرار خرس ها بی خبر..." سیاوش سریع به پهلوی دانیال سیخونک زد که بندر را آب ندهد؛ اما یوسف به سرعت حرف دانیال را قاپید. با صورت کج و کوله شده از خشم و عصبانیت به آن دو براق شد: آفرین، پس اون خرسه و توله‌هاش رو شما دوتا آتیش پاره فراری دادید؟ می‌بینی کربلایی؟ پس الکی صاحب خرس‌ها جلز و ولز نمی‌کرد که کار این دو تا بوده. سیاوش مظلومانه به کربلایی نگاه کرد و چند بار پلک زد. کربلایی ته دلش سیاوش را دوست داشت، با دیدن چشم‌های خیس سیاوش و بغض دانیال، قلبش به درد آمد و گفت: "حالا که به خیر گذشته یوسف جان، این دو تا هم به اندازه کافی حرف شنیدند. دیگه بسه شونه." _کربلایی تو هم؟ شما دیگه چرا؟ اگه دزبانی سپاه می‌آمد چی؟ اون وقت خلاصی ما از دست اون‌ها کار حضرت فیل بود."

222.indd 35 11/8/2022 11:26:33 AM

حدس بزن

حسن رضاییان

شهید
بهنام محمدی راد

شهید
حمیدرضا
سیاه پوش

شهید
حسین فهمیده

شهید
محمدرحیمی ها

خاکریزها،سنگرها،دشت‌ها و کوه‌ها در هشت سال دفاع مقدس، نوجوانانی را به خود دید که در تاریخ نظیری ندارند؛ نوجوانانی به پاکی کودکان، به دانایی پیران و به رشادت پهلوانان.
بیا با هم در مورد این نوجوانان بخوانیم و حدس بزن زندگینامه‌ی هر کدام از آنها، مربوط به کدام تصویر است؟ نام کدام شهید والامقام باید در بالای هر ستون قرار بگیرد؟

222.indd 36 11/8/2022 11:26:35 AM

آلاله‌ی اول
شهید........

در دانشگاه ایثار، میهن دوستی و استکبارستیزی، یکی از شهدای شاخص نوجوان تاریخ دفاع مقدس است. او متولد ۱۳۴۶ بود. حوادث کردستان، همزمان با ۱۲ سالگی این شهید والامقام اتفاق افتاد. شجاعت و میهن دوستی از شاخصه‌های شخصیت این شهید قهرمان بود؛ زیرا با توجه به سن کمی که داشت خود را به کردستان رساند ولی به‌خاطر نوجوانی نتوانست در آن مقطع، رنگ مجاهدت و ایثار به کارنامه خود در دفاع از کشور و نظام و شرف ملت ایران بزند. او با بستن نارنجک به خود و انهدام تانک دشمن، حجت ولایت‌مداری و مبارزه با استکبار جهانی را در مسیر دفاع از اسلام و نظام جمهوری اسلامی بر همگان تمام کرد. این شهید والامقام، همانند حضرت قاسم(ع)، نوجوان شهید دشت کربلا، در دفاع از اسلام به شهادت رسید و بدنش همانند حضرت علی اکبر(ع)، اربااربا شد. امام راحل، بعد از شهادت این شهید فرمودند: "رهبر ما، آن طفل سیزده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم بزرگ‌تر است با نارنجک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.

آلاله‌ی دوم
شهید........

دلیر نخلستان، هفت نیروی رژیم بعثی را با یک سلاح غنیمتی، اسیر کرد؛ او یکی دیگر از شهدای نوجوان تاریخ انقلاب اسلامی است که در ۱۲ بهمن ۱۳۴۵ چشم به جهان گشود؛ او یکی از آن رزمندگان لشکر "روح اللهی" بود. این شهید، در عین نوجوانی، از نیروهای شناسایی دفاع مقدس بود؛ شجاعت از ویژگی های مهم این شهید والامقام است. این نوجوان، با یک اسلحه به غنیمت گرفته، هفت نیروی رژیم بعثی را اسیر کرد و این نکته، یکی از اتفاقات کم نظیر در دوران دفاع مقدس است که آمیخته با معجزات الهی بود.

شناسایی خانه‌های محل استقرار عراقی‌ها در شهر خرمشهر، یک چشمه از ایثار و مجاهدت این رزمنده نوجوان ایرانی در دوران دفاع مقدس است.

وی قبل از آزادی خرمشهر عزیز، این شهر خون و قیام، چهره "خونین شهر" را به رنگ سرخ خون خود رنگین کرد و به کاروان راهیان کربلا پیوست.

آلاله‌ی سوم
شهید........

یکی دیگر از شهدای نوجوان دوران دفاع مقدس در ۱۵ دی ۱۳۴۷ دیده به جهان گشود.

این شهید نوجوان رشید دوران هشت سال جنگ تحمیلی، با قلم سرخ شهادت خود به دفاع مقدس، این گنجینه طلایی و ناب ارزشمند اسلامی، همانند ایثار و مجاهدت رزمندگان اسلام در این مقطع حساس در تاریخ کشور، رنگ مقدس داد. این نوجوان بسیجی، به عنوان برگی از شجره طیبه "بسیج" در انقلاب اسلامی، به استاد دانشگاه ایثار و استکبار ستیزی در دانشگاه دفاع مقدس و نماد الگویی ارزشمند برای نوجوانان و جوانان این مرز و بوم اسلامی تبدیل شده است. عملیات کربلای ۴، قله ایثار و مجاهدت این نوجوان لشکر حسینی در دفاع مقدس بود و در این عملیات سرنوشت ساز به شهادت رسید.

پیکر پاک شهید نوجوان، بعد از ۱۱ سال در "جزیره ام الرصاص"، محل انجام عملیات کربلای ۴، در جریان تفحص پیکر شهدا، شناسایی و در گلزار شهدای شهرستان قزوین، آرام گرفت.

آلاله‌ی چهارم
شهید........

یکی دیگر از چهره‌های ماندگار شهدای نوجوان دفاع مقدس، در یکم دی ماه ۱۳۴۷ در شهر قزوین به دنیا آمد.

این شهید بزرگوار، در مقطع تحصیلی اول متوسطه در رشته تجربی، نیمکت مدرسه این سنگر تعلیم و تربیت را با سنگر دفاع از اسلام و نظام و امنیت کشور عوض کرد.

این مجنون عشق الهی، هفتم اسفند ماه سال ۱۳۶۲ در جزیره "مجنون" عراق در سن ۱۵ سالگی در راه دفاع از اسلام و میهن اسلامی به شهادت رسید. پیکر پاک و مطهر این شهید والا مقام بعد از ۱۳ سال در تاریخ ۱۳۷۵ در جزیره مجنون شناسایی شد و در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد. بخشی از وصیت نامه شهید به شرح زیر است: "مهمترین وحدت‌ها، وحدت قلوب است و یاد آورید هنگامی که در زمان طاغوت، زیر بار ستم بودید و طاغوتیان چگونه علیه شما نقشه می کشیدند. به یاد آورید وضع مفاسد و جنایت‌های زمان گذشته را و پند گیرید. خداوند شما را از آن ذلت و خواری بیرون آورد و به سوی نور راهنمایی کرد، پس به ریسمان الهی چنگ زنید."

این شهید جزیره مجنون، مروارید رستگاری را در صف شهادت در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل در دفاع مقدس می‌دید.

222.indd 37 11/8/2022 11:26:36 AM

وصیت نامه

وقتی وصیت نامه‌های این کوچکان وسیع دل را می‌خوانی به این فکر می‌کنی که روحشان به وسعت آسمان بوده و اندیشه‌شان به گستردگی جهان بیکران. نگاه این فرزندان کوچک وطن آنقدر عمیق است که حیرت زده می‌مانی. در این بخش، گوشه‌ای از این جهان بینی وسیع را می‌خوانیم:

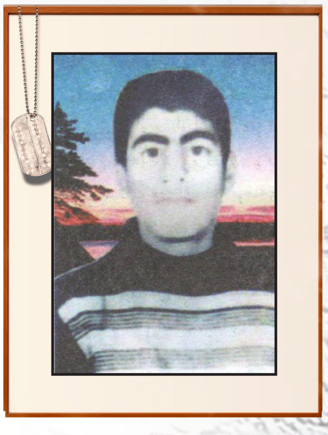

نام:علی جرایه

تاریخ تولد:اول مهرماه ۱۳۵۰

محل تولد: سراب باغ آبدانان

تاریخ شهادت: اول اسفندماه ۱۳۶۲

عملیات والفجر ۵

کوچکترین شهید دفاع مقدس

مادر شهید علی جرایه می گوید: به او گفتم: برادرانت به جبهه رفته‌اند تو کم سن و سال هستی، پیش من بمان؛ اما او گفت: هر کس وظیفه خود را باید انجام دهد.

در بخشی از وصیت نامه کوچکترین شهید دفاع مقدس می خوانیم:

سلام بر پیامبر بزرگ اسلام و درود فراوان بر رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی و سلام بر پدر و مادر مهربانم. من علی جرایه فرزند سوخته‌زار با دلی سرشار از ایمان و با اعتقاد و آگاهی که از اسلام عزیز داشتم راهی جنوب کشورمان و دفاع از نوامیس اسلام از چنگال غارتگران و غاصبان و نوکران آمریکا شدم. می‌روم که درس عبرتی باشد برای دیگر تجاوزگران که قصد تجاوز به سرزمین‌های محروم اسلام را دارند.

پدر و مادر جان، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و از جانب پروردگارشان روزی می گیرند. وصیت من به شما این است که هیچوقت امام عزیزمان را تنها نگذارید و پیرو مکتب ولایت فقیه باشید. پدر و مادرم برای من گریه نکنید زیرا که باعث شادی منافقین خواهد بود. شادی کنید که شما هم به خدای متعال هدیه‌ای تقدیم کرده‌اید.

همیشه نماز بخوانید و روزه بگیرید و امام و رزمندگان را دعا کنید

اگر مرا بکشید و بدنم را قطعه قطعه کنید، قطعه‌های بدنم فریاد برمی آورند و لبیک یاخمینی می گویند.

من رفتم اما وصیتم به شما هموطنان عزیز، این است که امام را تنها نگذارید و اسلحه مرا بردارید و راه شهیدان را ادامه دهید.

توصیه‌ام به شما این است که صبر و استقامت داشته باشید و تقوا پیشه کنید. اگر این سعادت نصیبم شد که در رکاب حسین زمان به سوی معبودم بشتابم برای من گریه وزاری نکنید وبدانید با آگاهی کامل این راه را پذیرفتم وچون مسئولیت پاسداری از خون شهدا را بردوش خود حس کردم به جبهه‌ها شتافتم تاقسمتی از بار مسئولیت که بردوشم بود انجام دهم.

222.indd 38 11/8/2022 11:26:38 AM

نام: رضا پناهی
تولد: ۱۳۴۹
محل تولد: کرج
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱ در سن ۱۲ سالگی

رضا حرفهایش را روی نوار کاست ضبط می کند و به مادرش می‌دهد و از او می‌خواهد که بعد از شهادتش به وصیت نامه‌اش گوش دهد.

اقیانوس جانشان در کالبد کوچکشان نمی گنجید.

بسم الله الرحمن الرحیم

هر کس من را طلب کند می‌یابد مرا و کسی که مرا یافت، می‌شناسد مرا و کسی که من را دوست داشت، عاشق من می‌شود و کسی که عاشق من می‌شود من عاشق او می‌شوم و کسی که من عاشق او بشوم او را می کشم و کسی که من او را بکشم خون‌بهایش بر من واجب است پس خون‌بهای او من هستم.

هدف من از رفتن به جبهه این است که:

اولاً به ندای «هل من ناصر ینصرنی» لبیک گفته باشـــم و امام عزیز و اسلام را یاری کنم و آن وظیفه‌ای را که امام عزیزمان بارها در پیام‌ها تکرار کرده که هر کس که قدرت دارد واجب است که به جبهه برود و من می‌روم که تا به پیام امام لبیک گفته باشـــم. آرزوی من پیروزی اسلام و ترویج آن در تمام جهان است و امیدوارم که روزی به یاری رزمندگان، تمام ملت‌های زیر سلطه آزاد شوند و صدام بداند که اگر هزاران هزار کشور به او کمک کنند او نمی‌تواند در مقابل نیروی اسلام مقاومت کند. پدر و مادر مهربان من، از زحمات چندین ساله شما متشکرم. من عاشق خدا و امام زمان گشته‌ام و این عشق، هرگز با هیچ مانعی از قلب من بیرون نمی‌رود تا اینکه به معشوق خود یعنی «الله» برســم؛ و به حق که ما می‌رویم که این حسین زمان و خمینی بت‌شکن را یاری کنیم و به حق که خداوند به کسانی که در راه او پیکار می کنند پاداش عظیم می‌بخشد. من برای خدا از مادیات گذشتم و به معنویات فکر کردم از مال و اموال و پدر و مادر و برادر و خواهر چشم پوشیدم فقط برای هدفم یعنی الله.

222.indd 39
11/8/2022 11:26:39 AM

طراح: حمیدرضا گلین امیریان

222.indd 40 11/8/2022 11:26:40 AM

222.indd 41 11/8/2022 11:26:41 AM

222.indd 42 11/8/2022 11:26:42 AM

در قسمتی از عملیات مرصاد، 11 قهرمان،
لشگری از نیروی دشمن را به عقب راندند.

اخبار ورزشی نوجوانان در فصل تابستان

فوتبال

تیم فوتبال نوجوانان ایران موفق شد در دیداری دوستانه تیم تاجیکستان را شکست دهد؛ به نقل از سایت رسمی فدراسیون فوتبال، تیم فوتبال نوجوانان ایران که به منظور برگزاری سه بازی تدارکاتی در تاشکند به سر می‌برد، بازی‌های خود را با دو بُرد شیرین، مقابل تاجیکستان و ژاپن و یک تساوی با ازبکستان به پایان برد؛ شاگردان حسین عبدی، در حال آماده سازی برای برگزاری دیدارهای آسیایی هستند.همچنین سرمربی تیم ملی نوجوانان گفت: حضور در ازبکستان به ما کمک بسزایی خواهد کرد تا بهترین شاکله از تیم خود را برای مرحله مقدماتی آسیا آماده و در اختیار داشته باشیم. این بازی‌ها به ما نقاط ضعف و قوت تیم را نشان می‌دهد و بدون شک با برطرف کردن نقاط ضعف و تقویت نکات مثبت تیم، سعی می کنیم تا بهترین عملکرد را از خود به جای بگذاریم.

هندبال

نایب قهرمانی ایران در مسابقات هندبال نوجوانان پسر آسیا

در این دوره از رقابت‌های هندبال قهرمانی نوجوانان پسر آسیا تیم ملی ایران مقابل کره جنوبی شکست خورد و مقابل هند و ازبکستان به برتری رسید؛ ملی‌پوشان ایران در آخرین دیدار خود از مرحله گروهی، بحرین را شکست دادند و به نیمه نهایی رسیدند. تیم ملی نوجوانان ایران با عملکردی درخشان به فینال این رقابت‌ها رسیدند و توانستند به مقام نایب قهرمانی آسیا دست پیدا کنند.همچنین این تیم موفق شد به رقابت‌های جهانی راه پیدا کند.امیرحسین مسعودنیا، مهدی دارینی، صابر حیدری، مهدی مرادی، هادی خواجه‌سلیمی، ایلیا گلی، ابوالفضل راه‌شناس، احمد آرام، علی حیدریان، امیرحسین کرمی، شایان فرشته‌نژاد، حسین حیدریان، امیرمحمد پورقاسمی، علی امیر یوسفی، امیر رشید آبادی، ماهان دولت خواه، مهرشاد دانشی و امیرعباس زارعی ترکیب بازیکنان ایران در مسابقات قهرمانی آسیا را تشکیل می‌دهند.

موی تای

موی تای کاران جوان و نوجوان ایران در مالزی به موفقیتهای ارزشمندی رسیدند

تیم های ملی نوجوانان ایران بعد از کسب ۱۷ مدال طلا، نقره و برنز در رقابتهای قهرمانی جهان به ایران بازگشتند.به نقل از مهر، موی تای کاران جوان ایران در دو بخش پسران و دختران بعد از کسب ۱۷ مدال در رقابت‌های جهانی این رشته، سوم شهریور ماه ۱۴۰۱ در میان استقبال جمعی از مسئولین و همچنین خانواده ورزشکاران به میهن بازگشتند. گفتنی است رقابت‌های موی تای قهرمانی نوجوانان جهان با حضور بیش از ۳۰۰ ورزشکار از ۱۰۰ کشور جهان به مدت ۸ روز به میزبانی شهر کوالالامپور مالزی برگزار و در پایان تیم کشورمان موفق به کسب یک مدال طلا، ۶ نقره و ۱۰ برنز شد. همچنین تیم دختران ایران به عنوان بهترین تیم رقابت‌ها شناخته شد.

222.indd 44 11/8/2022 11:26:44 AM

تکواندوی جهان

تیم ملی تکواندوی نوجوانان دختر ایران با کسب ۲ مدال طلا و ۲ مدال نقره به عنوان نایب قهرمانی جهان رسید.
فاطمه صفر پور که سال ۲۰۱۶ و با ۲ طلا و ۲ برنز، دختران ایران را برای نخستین بار، قهرمان نوجوانان جهان کرده‌بود، برای سـومین دوره متوالی، هدایت این تیم در رقابت‌های جهانی را بر عهده داشـت تا ناکامی دوره گذشته را جبران کند. کره‌ای‌ها پس از ۱۰ سـال به عنوان قهرمانی دسـت پیدا کردند. دو دختر طلایی ایران که به ترتیب، چهارمین و پنجمین مدال طلای دختران ایران در تاریخ رقابت‌های نوجوانان جهان را به دسـت آوردند سوگند شیری و مبینا نعمت زاده بودند که بر سـکوی قهرمانی اوزان منفی ۴۲ و منفی ۴۹ کیلوگرم ایستادند. پرنیا سلمانی و ساغر مرادی نیز دو مدال نقره ایران را در اوزان منفی ۴۴ و منفی ۶۳ کیلوگرم کسب کردند. همچنین فرشته فتحی، پونه جعفر صالحی، الهام حقیقی و نیوشا شادلو دیگر نمایندگان کشورمان بودند که موفق به کسب مدال نشـدند.لازم به ذکر است که در مجموع، دو بخش پسران و دختران که ۳۰ کشور مختلف موفق به کسب مدال شدند، کره جنوبی با ۱۰ مدال طلا، ۲ نقره و ۲ برنز قهرمان شد و کاروان ۱۳ نفره ایران نیز با کسب ۶ مدال طلا و ۲ نقره، یکی از بهتریـن عملکردهای تاریخ خود در این رقابت‌ها را به نمایش گذاشـت. ۴ مدال طلای دیگر رقابت‌ها نیز بین ۴ کشور تایلند، ایتالیا، بلژیک و ترکیه تقسیم شـد.همچنین در این دیدارها تیم ملی تکواندوی نوجوانان پسر ایران با کسـب ۴ مدال طلا به عنوان نایب قهرمانی جهان رسید.سـیزدهمین دوره ایـن بازی‌ها در صوفیه بلغارستان به کار خود پایان داد و تیم ۵ نفره پسران ایران با کسب چهار مدال طلا، نایب قهرمان جهان شد.
محمدرضا زوار که دوباره هدایـت کاروان ایران را برعهده گرفته‌است توانسـت یکی از بهترین نتایج این رقابت‌ها را رقم بزند.

تکواندوی آسیا

دختران و پسران تکواندو ایران بر بام آسیا ایستادند
یازدهمین دوره رقابت‌های تکواندو قهرمانی نوجوانان آسیا با قهرمانی تیم‌های ملی کشورمان در هر دو بخش دختران و پسران به پایان رسید. در این دوره از رقابت‌ها که به میزبانی ویتنام بود ۲۸۵ تکواندوکار از ۲ کشور قاره کهن حضور داشتند و در نهایت، تیم دختران و پسران نوجوان ایران در مجموع با کسب ۱۱ مدال طلا، ۲ نقره و ۲ برنز عنوان قهرمانی این رقابت‌ها را از آن خود کردند. در گروه پسران، ایران با کسب ۵ نشان طلا، ۲ نقره و ۲ برنز بالاتر از تیم‌های کره جنوبی و چین بر بام آسیا ایستاد. در گروه دختران نیز تیم ملی ایران با ۶ مدال طلا قهرمان و تیم‌های چین و کره جنوبی نیز دوم و سوم شدند.همچنین با اعلام مسئولان برگزاری مسابقات، راضیه آقاجانپور سرمربی گروه دختران و وحید عبداللهی سرمربی گروه پسران تیم ملی نوجوانان، عنوان برترین مربی را به دست آوردند.

تپانچه

چهارمین مرحله مسابقات آزاد تفنگ و تپانچه مردان با معرفی نفرات برتر در رده سنی نوجوانان و جوانان به پایان رسید.
در این دوره از مسابقات که در سالن ورزشگاه آزادی تهران برگزار می‌شد در رده سنی نوجوانان، نفرات زیر به برتری دست یافتند.
۱.شایان تمدن از اصفهان ۲.محمدرضا احمدی از بوشهر ۳.امیرحسین تنگستانی از بوشهر
۴. پارسا قربانی از تهران

دو برادر نوجوان در تیم ملی فوتبال

میر سالار و سمیر حبوباتی دو بازیکن نوجوان فوتبال ایران هستند که در تیم های پایه عملکرد خوبی داشتند و حالا در تیم ملی نوجوانان همبازی هستند، این دو بازیکن حالا زیر نظر صمدمرفاوی در حال رشد و تمرین هستند تا در آینده به لیست برادران طراز اول فوتبال ایران برسند؛ پیش تر از این برادران محمدی که حالا لژیونر فوتبال ایران محسوب می‌شدند نیز از تیم راه آهن به سطح یک فوتبال ایران رسیده بودند.

222.indd 45 11/8/2022 11:26:45 AM

	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱				■						
۲			■					■		
۳	■					■				■
۴					■			■		
۵		■		■						
۶	■						■			
۷					■				■	
۸			■			■				
۹			■		■			■		
۱۰		■								■

افقی

۱ به اتفاقی ترسناک و رعب آور می گویند/ داغ و سوزاننده

۲ جنس یک لباس است/با مَدار می آید/ به جنس مذکر می گویند

۳ آزاد/بچه ی مرغ است

۴ کار خون رسانی به اعضای بدن را انجام می‌دهد/متضاد روز/در دهان است

۵ نوعی میمون

۶ گروهی از حیوانات/پا را می‌پوشاند.

۷ به صدای خس خس سینه می گویند/ اسم دیگر ستاره ی ناهید

۸ نوجوان بدون نو/از اعضای صورت است/نام دیگر نقش است

۹ مترادف همه/چیزی که استشمام می کنیم/سومین دهگان است

۱۰ موجودی شبیه به مورچه که در چوب زندگی می کند

عمودی

۱ نوعی گیاه دارویی است که برای خوشبو کردن چای و مربا استفاده می‌شود/با استفاده از گوجه درست می‌شود.

۲ برای جداسازی جمله های ساده یا بندها استفاده می شود/همان تورم است که در اثر ضربه ایجاد می‌شود.

۳ نام دختر بزرگوار حضرت محمد(ص)است.

۴ کمال‌الملک خوب می‌کشید/نوعی قیچی از جنس آهن است و برای کار با آتش استفاده می‌شود

۵ کوتاه‌شده‌ی اگر است/به جنس بیخود می‌گویند/ضمیر منفصل مفرد غایب است که اغلب در شعر ها می‌آید

۶ درخت سبز تمام فصول/مخفف هیاهو و در عربی به معنای او است.

۷ متضاد شب/برای تزیین کادو استفاده می‌شود

۸ برای بخشش خطایی که مرتکب شده‌ایم انجامش می‌دهیم.

۹ به فردی می گویند که با کسی ارتباط ندارد/یک بازار سرمایه گذاری آنلاین است

۱۰ اسم دیگر بدی است/وقتی قصد مخالفت داریم می گوییم/نام یک پسر که با (س) شروع می‌شود و به معنی سلامتی است.

222.indd 46 11/8/2022 11:26:47 AM

نایب قهرمانی تیم والیبال نوجوانان ایران

سید مسعود فاطمی

در چارچوب بازی‌های والیبال نوجوانان آسیا، تیم والیبال نوجوانان ایران در بازی فینال در برابر ژاپن قرار گرفت که در نهایت نتوانست ژاپن را شکست دهد و علیرغم انجام بازی‌های بسیار خوب در مراحل قبل، نایب قهرمان این دیدارها شد. وکیلی، سرمربی تیم ملی والیبال نوجوانان، گفت: بعد از تعویق چهارساله مسابقات والیبال نوجوانان آسیا، انتظار فینال به این زیبایی نداشتیم. بازیکنانم را تحسین می کنم. برنامه تیم والیبال ژاپن روی سرویس‌های موجی است. بازیکنان ایران مثل بزرگسالان، سرویس پرشی می‌زدند و این تفاوت دو تیم است. در آینده خواهیم دید کدام بازیکنان در سطح اول دنیا بازی می کنند. مسلما تعداد بازیکنان ایران در سطوح بالاتر، بیشتر خواهد بود چون هم به لحاظ فیزیکی بهتر هستند و هم به لحاظ سرویس؛ وی افزود: مردانه بازی کردیم و یک والیبال زیبا را به نمایش گذاشتیم. در امتیازهای ابتدایی و پایانی، ژاپنی‌ها بهتر از ما بازی کردند. بهتر بازی کردن آن‌ها دلیلی بر بد بازی کردن بازیکنان من نیست. شاید در سال‌های اخیر در سطح نوجوانان، این فینال فوق‌العاده بود. شکست هم در ورزش هست. امیدواریم در جهانی بتوانیم عملکرد بهتر و سکوی بالاتری بگیریم. این در حالی است که تیم والیبال نوجوانان ایران، تمامی بازی‌های قبلی خود را مقتدرانه و با بُرد، پشت سر گذاشته بود ولی در کمال ناباوری در بازی فینال در برابر ژاپن عملا حرفی برای گفتن نداشت و به مقام نایب قهرمانی رضایت داد.

سید حمید سجادی، وزیر ورزش و سید محمدرضا پولادگر، معاون ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، با شروع بازی فینال نوجوانان آسیا در سالن فدراسیون حاضر شدند و از نزدیک بازی تیم نوجوانان مقابل ژاپن را تماشا کردند. هر چند این بازی با قهرمانی ایران تمام نشد، اما حمید سجادی بعد از نایب قهرمانی تیم نوجوانان گفت: «میزبانی به بهترین شکل ممکن انجام شد. دوست داشتیم تیم نوجوانان ایران در تهران قهرمان شود ولی هر تیمی که بهتر بازی کند و هماهنگ‌تر باشد در پایان برنده خواهد شد. در بازی فینال، فرایند بازی تیم ژاپن بهتر از ایران بود و در نهایت برنده شد. باخت، همیشه هم بد نیست و فدراسیون والیبال قطعاً تلاش می کند تا تیم نوجوانان ایران را برای مسابقات جهانی آماده کند. قول می‌دهم خیلی بهتر از سال‌های گذشته از والیبال حمایت کنم». با این حال، ناصر شهبازی، سرمربی پیشین تیم والیبال نوجوانان ایران گفت: نتیجه‌ای که تیم نوجوانان گرفت، خوب نبود. شکست ۳ بر صفر در تهران مقابل ژاپن، اصلا قابل قبول نیست. با این حال، ساختار تیم، بسیار خوب بود و بازیکنان فیزیک مناسبی داشتند. زدن سرویس پرشی، نقطه قوت تیم والیبال نوجوانان ایران بود و قطعاً آینده درخشانی در انتظار بازیکنان این تیم است.

222.indd 47
11/8/2022 11:26:49 AM

اخبار داغ نوجوانی در فصل تابستان ۱۴۰۱

درخشش ستارگان ایرانی در المپیاد جهانی نجوم و اختر فیزیک؛
ایران در جایگاه اول جهان ایستاد

تیم ملی دانش‌آموزی المپیاد علمی نجوم و اختر فیزیک ایران با ۹ مدال طلا و یک مدال نقره، مقام اول جهان را کسب کرد. در این دوره از مسابقات ۲۵۰ دانش‌آموز از ۴۵ کشور شرکت کرده بودند.

در پانزدهمین المپیاد جهانی نجوم و اخترفیزیک (IOAA ۲۰۲۲) که در شهر کوتایسی گرجستان برگزار شد، تیم دانش‌آموزان ایرانی شامل مهدی استادمحمدی، سپهر سلامت، محمدمهدی عابدیان، فرهاد عزیزی سطری، سیدیوسف میریوسفی، سهند اسماعیل زاده، سهند اکرمی پور، آریا قنبری و آرسام مجد به مدال طلا دست یافتند و علیرضا اعلایی هره دشت، مدال نقره گرفت.

این تیم با سرپرستی دکتر مهدی خاکیان قمی، دکتر حسین حقی، امیرحسین امیری، هدی پورغلامی در قالب دو تیم در این مسابقات شرکت کرده بود که تیم الف و اصلی، با ۵ مدال طلا، اول جهان شد و تیم ب هم با ۴ مدال طلا و یک مدال نقره دوم جهان شد.

در رشته‌ی شیمی دانش‌آموزان ایرانی
در جایگاه پنجم جهان ایستادند

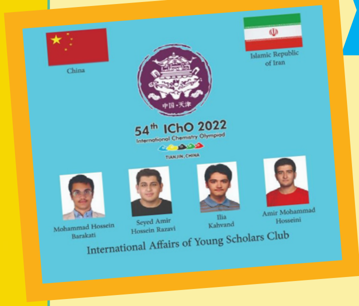

تیم شیمی دانش‌آموزی ایران جایگاه پنجم جهان را به خود اختصاص داد. چین، ویتنام، ژاپن و تایوان به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را از آن خود کرده‌اند.

ایران در سال جاری موفق شد با کسب دو مدال طلا و دو نقره به جایگاه پنجم جهان ارتقا پیدا کند. این رتبه در حالی به دست آمد که در سال گذشته ایران جایگاه دهم را بدست آورده بود. محمد حسین برکاتی دانش آموزان نخبه اهل خراسان رضوی توانست مدال طلای این مسابقات را از آن خود کند.

مدیر کل آموزش و پرورش خراسان رضوی در این بار گفت: «محمدحسین برکاتی» دانش آموز مشهدی موفق به کسب یکی از مدال‌های طلای تیم المپیاد شیمی ایران شد.

سیدامیر شوشتری افزود: مدال آوران ایرانی المپیاد جهانی شیمی موفق به کسب ۲ مدال طلا و ۲ مدال نقره در مسابقات چین شدند که مدال‌های طلا توسط محمدحسین برکاتی و ایلیا کهوند و ۲ مدال نقره نیز توسط سیدامیرحسین رضوی و امیرمحمد حسینی کسب شد.

وی ادامه داد: محمدحسین برکاتی دانش آموز مشهدی حایز این افتخار بزرگ برای جامعه فرهنگیان کشور شده است.

222.indd 48 11/8/2022 11:26:50 AM

طلای المپیاد جهانی زیست شناسی در دست نوجوان برومند چهارمحال و بختیاری

معاون استاندار چهارمحال و بختیاری از برگزیده المپیاد جهانی زیست شناسی قدردانی کرد.

محمدامین کیانی، دانش‌آموز اهل خراجی چهارمحال و بختیاری، به عنوان یکی از اعضای تیم ملی المپیاد زیست‌شناسی ایران توانست در سی و سومین المپیاد بین المللی زیست شناسی به نشان طلا دست یابد و به همراه دیگر اعضای تیم در جایگاه نخست جهان قرار گیرد.

مهدی افشاری، امیررضا زینالی، محمد امین کیانی و محمد مهدی رحیم پور، اعضای تیم المپیاد ایران در این رقابت علمی بودند که موفق به کسب ۴ مدال طلا شدند. درخشش این نوجوانان عزیز ایرانی در مسابقات جهانی نشان از پیشرفت علمی در سطوح مختلف دارد. دانش آموزان ایرانی همیشه در عرصه جهانی افتخارآفرین بودند که اینبار هم در این رشته به موفقیت بزرگی دست پیدا کرده اند. ارتقای علمی و دانش در آموزش و پروش جمهوری اسلامی ایران همیشه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی بوده است.

درخشش دانش آموزان خراسان رضوی در المپیاد جهانی ریاضی در نروژ

دانش آموزان خراسان رضوی در المپیاد جهانی ریاضی در نروژ موفق به کسب یک مدال طلا و یک مدال نقره شدند.

به گزارش خبرگزاری صداوسیما، مرکز خراسان رضوی، مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی گفت: ۲ دانش آموز این استان موفق به کسب یک مدال طلا و یک مدال نقره در قالب تیم ملی المپیاد جهانی ریاضی در مسابقات ۲۰۲۲ اسلو در کشور نروژ شدند. سید امیر شوشتری افزود: تیم المپیاد ریاضی جمهوری اسلامی ایران در این مسابقات، موفق به کسب سه مدال طلا و سه مدال نقره شد که از این بین ۲ دانش آموز موفق سمپاد خراسان رضوی به نام‌های مهران طلایی و سید مبین رضوی به ترتیب مدال‌های طلا و نقره این مسابقات را از آن خود کردند.

اعضای تیم ایران را امیرمحمد بندری ماسوله (استان تهران)، دانیال پرنیان (استان تهران)، سیدمبین رضوی (خراسان رضوی)، مهران طلائی خواجه روشنائی (خراسان رضوی)، سینا عزیز الدین (استان تهران) و پوریا محمودخان شیرازی (استان تهران) تشکیل داده بودند.

طلا و نقره در دست تیم المپیاد کامپیوتر در مسابقات جهانی

در سی و چهارمین المپیاد بین المللی کامپیوتر، علیرضا کاویانی و کوشا موسوی موفق به کسب مدال طلا و علیرضا صمیمی موفق به کسب مدال نقره شدند و آریا همتی نیز دیپلم افتخار کسب کرد.

در این مسابقات بین المللی ۳۵۷ دانش آموز از ۹۰ کشور جهان شرکت کردند و تیم ایران توانست در مجموع نمرات جایگاه نهم این دوره را به خود اختصاص دهد.

222.indd 49 11/8/2022 11:26:51 AM

چگونه قوز دربیاوریم؟

سنا سادات خدامی
۱۴ ساله

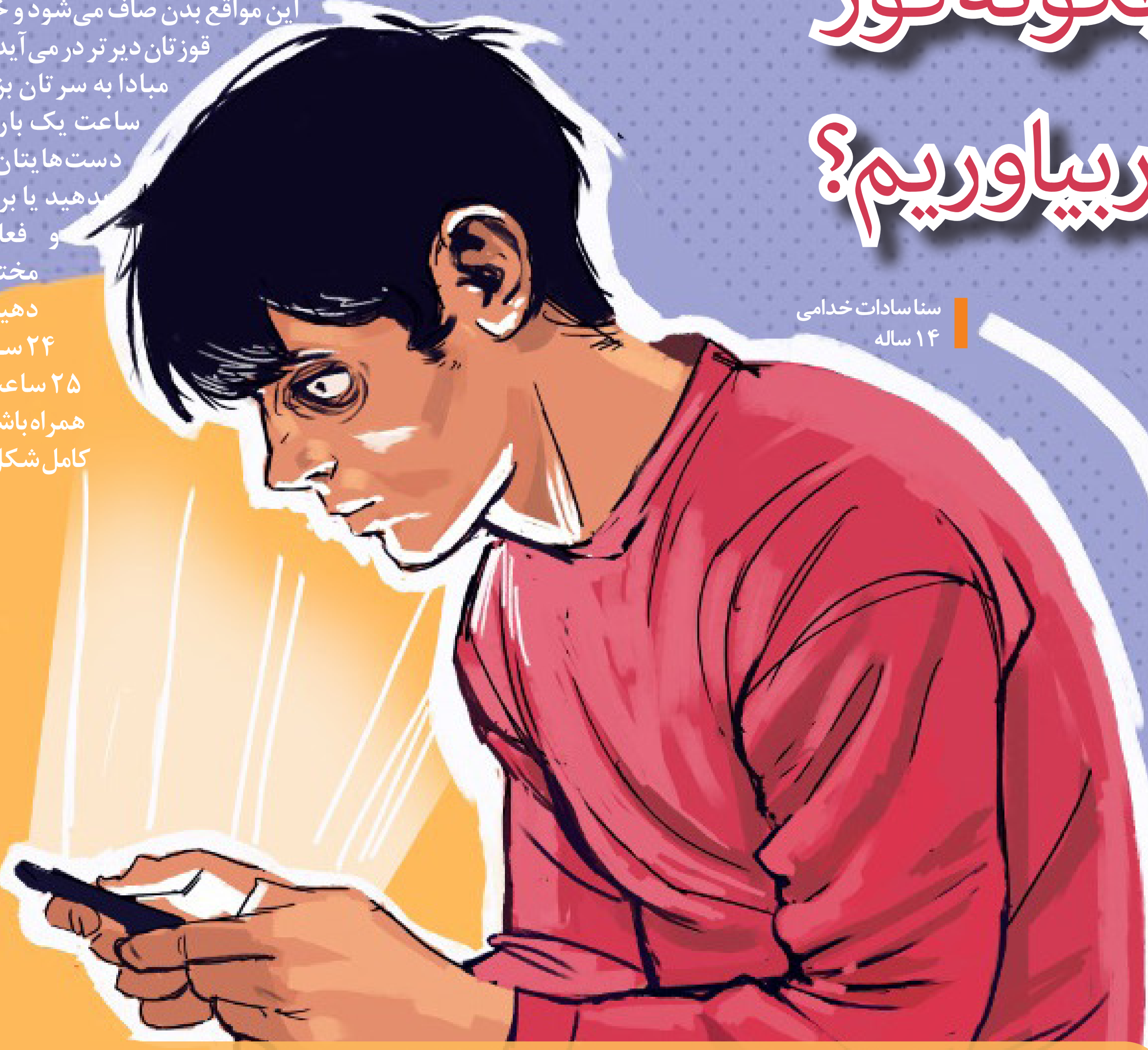

چگونه چشم هایتان را ضعیف کنید؟

راهکار اول این است که فیلمهایتان را شب‌ها ببینید؛ در تاریکی مطلق، باشید و نور گوشی را زیاد کنید و تا خود صبح فیلم ببینید و صبح هم مثل زامبی از اتاقتان بیرون بیایید و دست و صورتتان را بشویید و بروید دوباره فیلم ببینید. در طول روز، بجای کلی فعالیت که می توانید انجام دهید مثل کتاب خواندن، باشگاه رفتن و... بروید بنشینید پای تلفن همراه‌تان و به جای کتاب‌های آموزنده، رمان‌های آنلاین بخوانید. یا می توانید به جای باشگاه رفتن، برنامه‌های ورزشی نصب کنید و بگویید از شنبه شروع می کنم که البته، مطمئنا همه در گوشی‌شان انواع برنامه‌های ورزشی دارند که هرگز از آن استفاده نمی کنند و نکرده‌اند و اگر یک چشم ضعیف می خواهند استفاده هم نخواهند کرد.

چگونه خالق بیماری‌های عجیب شوید؟

کافی است بیش از اندازه از تلفن همراه استفاده کنید، سریع و تضمینی به نتیجه موردنظر خواهیدرسید.

مطمئن باشید اگر این راه را بروید انواع بیماری‌ها را تجربه می کنید؛ مثل تاری زودرس چشم، ضعف عضلات، فشار خون بالا، اختلالات خواب و ....

به شما قول می‌دهم در مدت زمان کمی یک مضر متحرک می‌شوید و البته اکتشاف جالبی است که انواع بیماری‌ها را میکس(مخلوط) کنید شاید یک بیماری جدید هم ساختید.

در اکتشافاتتان موفق باشید.

چگونه سندروم گردن پیامکی بگیریم؟

این یکی خیلی راحت است. کافی است با سر پایین پیامک‌های بی‌انتهایتان را بخوانید؛ در این مدل نشستن باعث می‌شوید ستون فقراتتان از درد جیغ بکشد. البته نگران نباشید شما آنقدر پرت تلفن همراهتان هستید که جیغ‌اش به گوش تان نمی‌رسد.

برای این اتفاق، پیشنهاد می کنم تلفن همراهتان را حتی برای یک ثانیه هم کنار نگذارید و نکته قابل توجه اینجاست: هیچ وقت نباید صاف بنشینید؛ همیشه باید خمیده باشید تا هرچه زودتر به قوز موردنظرتان برسید. موقع استفاده از تلفن همراه، ترجیحاً دراز هم نکشید چون در این مواقع بدن صاف می‌شود و خدای ناکرده قوزتان دیرتر در می‌آید.

مبادا به سرتان بزند و هر نیم ساعت یک بار، به چشم و دست‌هایتان استراحت بدهید یا بروید باشگاه و فعالیت‌های مختلف انجام دهید؛ باید از ۲۴ ساعت روز، ۲۵ ساعت پای تلفن همراه باشید تا قوزتان کامل شکل بگیرد.

جواب جدول

۱-هل/رب گوجه ۲-ویرگول/ورم ۳-زهرا ۴-نقاشی/انبر ۵ار/بنجل/وی ۶کاج/هو ۷روز/روبان ۸جبران ۹تنها/بورس ۱۰شر/نه/سلیم

۱هولناک/اتش ۲لی/قرار/نر ۳رها/جوجه ۴رگ/شب/زبان ۵بوزینه ۶گله/جوراب ۷رال/ونوس ۸جوان/لب/رُل ۹هر/بو/سی ۱۰موریانه

پاسخ های حدس بزن

آلاله ی اول: شهید حسین فهمیده آلاله ی دوم: شهید بهنام محمدی راد آلاله ی سوم: شهید حمیدرضا سیاه پوش آلاله ی چهارم: شهید محمد رحیمی ها

نمونه حجاب و عفاف

ملیکا کریمی

فرزند شهید مدافع

حرم

نشر شاهد منتشر کرد
باباها گم نمی شوند
نویسنده: منیره هاشمی